

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نگارهای  
زندگی

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

## عربی، زبان قرآن (۱)

رشته ادبیات و علوم انسانی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه



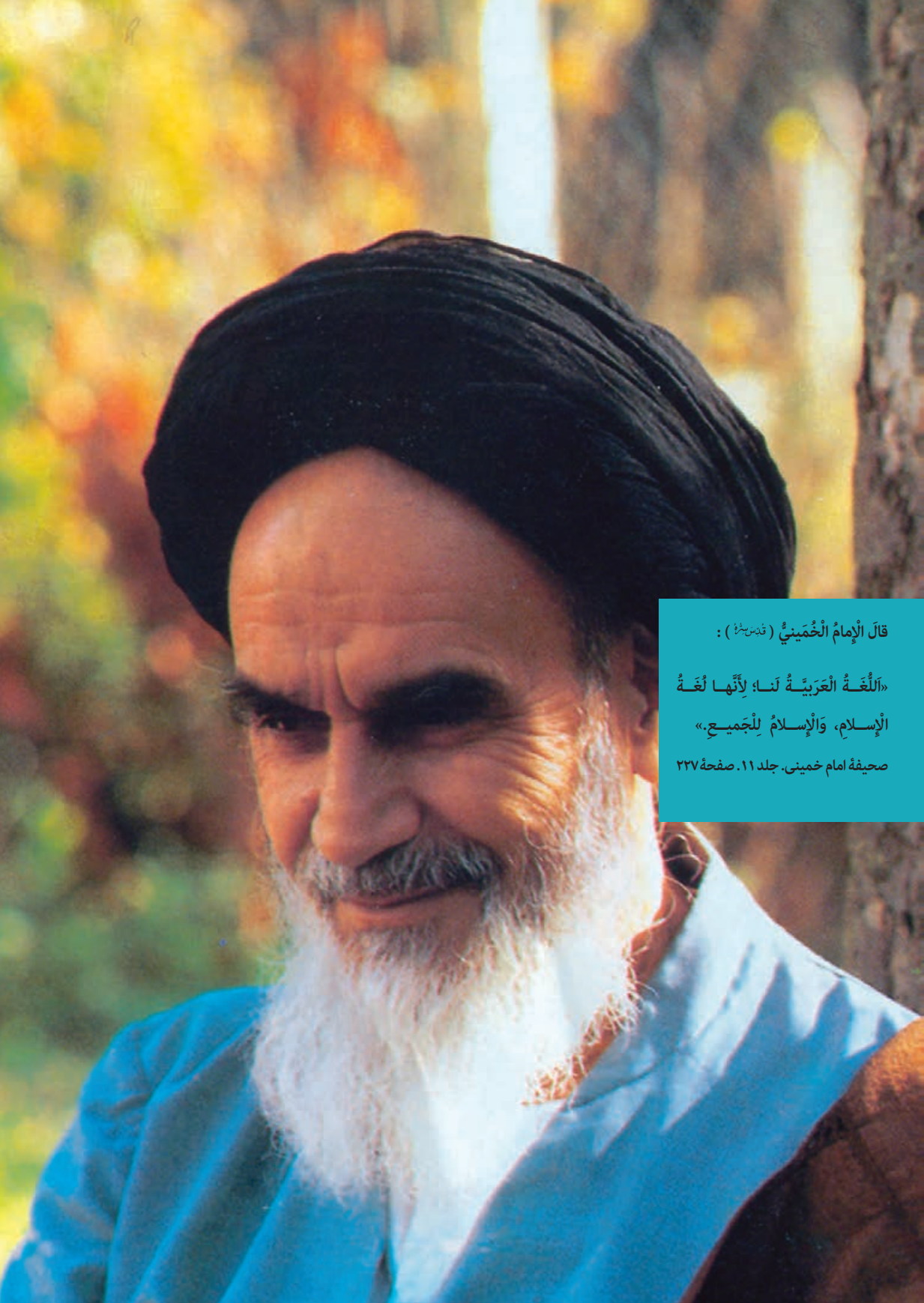


وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۱) - پایهٔ دهم دورهٔ دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۷
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، حسن حیدری، سید محمد دلبری، سید مهدی سیف و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: عادل اشکبوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، علی چراغی، اباذر عباسچی (اعضای گروه تألیف) - سید اکبر میرجعفری (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - آزاده امینیان (طراح جلد و صفحه‌آرا) - حسین چراغی، علی مظاهری نظری فر، زینت بهشتی شیرازی، فریبا سیر، مریم دهقان زاده (امور آماده‌سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)  
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹  
وبگاه: [www.irtextbook.ir](http://www.irtextbook.ir) و [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران: کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- سال انتشار و نوبت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»  
چاپ ششم ۱۴۰۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۸۳-۱

ISBN: 978-964-05-2483-1



قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِي (قدس سره) :

«اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لَنَا؛ لِأَنَّهَا لُغَةُ

الْإِسْلَامِ، وَالْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ.»

صحيفة امام خميني. جلد ۱۱. صفحة ۲۲۷

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

# الفهرس

ببشكفتار ..... الف

أأأرأ الأوأ ..... ١

أأأ هأ لله + صبأ الأفعال + الأعارف-----

أأرأ الأأ ..... ١١

إنأأ مأسأولأ + الأأأأ مأ وأأأ و إلى مأأ + فف مأار الأأف-----

أأرأ الأأأ ..... ٣٣

مأأ الأأ + الأفعال الأأأ الأأأ والأأأ (١) + فف أأأ الأأأأ-----

أأرأ الأأأ ..... ٣٥

الأأأأ الأأأ + الأفعال الأأأ الأأأ (٢) + فف أأأ الأأأأ-----

أأرأ الأأأأ ..... ٤٧

«هأأ أأأ لله» + الأأأ الأأأأ والأأأأ + مع أأأ أأأأ الأأأ-----

أأرأ الأأأ ..... ٥٩

الأأأأ الأأأ + إأأأ أأأأ الأأأأ الأأأأ والأأأأ + فف الأأأأأ-----

أأرأ الأأأ ..... ٧١

أأأأ الأأأ + الأأأ الأأأأ + مع مأسأول الأأأأ-----

أأرأ الأأأ ..... ٨٣

أأ مأأ فف الأأأ أأأأأ + الأأأ والأأأأ و نأأ الأأأأ + مع مأأأ الأأأأ

## بیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

دبیر عربی برای تدریس این کتاب شایسته است:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به دقت مطالعه و بررسی کرده باشد.

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.

۳. کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) و نرم‌افزار «بر فراز آسمان» را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی ویژه رشته ادبیات و علوم انسانی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه دهیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن‌محوری است. متن‌محوری به معنای نفی قواعد نیست؛ در این کتاب قواعد در خدمت فهم زبان است؛ لذا بخش مهمی از کتاب درسی و نیز بارم‌بندی را قواعد تشکیل می‌دهد.

شایستگی مورد نظر برای دانش‌آموز پایه دهم رشته ادبیات و علوم انسانی این است که بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند. در این کتاب علاوه بر حدود ۳۵۰ کلمه جدید کتاب عربی پایه دهم، ۸۱۹ واژه عربی هفتم، هشتم و نهم نیز تکرار شده‌اند؛ پس در حقیقت هدف این کتاب در بخش واژگان، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است.

این کتاب با توجه به اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند برای تألیف کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه برای تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.



کلمات به کاررفته در کتاب‌های عربی، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات و متون کتاب به ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز توجه دارند. از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی و از آنجا که درس عربی در رشته ادبیات و علوم انسانی یک درس اختصاصی است؛ مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است. مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد.

### مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱. طراحی هر گونه آزمونی (کنکور، داخلی مدرسه، هماهنگ استانی یا کشوری، مسابقات علمی) تابع اهداف کتاب درسی و در چارچوب آن است. این تذکر به ویژه برای طرح سؤال کنکور است و در صورت تخلف، آن آزمون رسماً از نظر وزارت آموزش و پرورش فاقد اعتبار رسمی است. این تأکیدات در حکم یک بخشنامه اداری و لازم الاجراست.

۲. این کتاب شامل هشت درس است. هر درس در سه جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۳. دانش آموز پایه دهم در دوره اول متوسطه با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه ترکیب مخلوط مانند «أَخُوکُنَّ الصَّغِيرُ» هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بوده که دانش آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی؛

در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۴. هرچند درس اول دوره آموخته‌های پیشین است؛ اما در سایر درس‌ها نیز این دوره انجام شده است.

۵. در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شوند. اهمّیت آموزش اعداد بر کسی پوشیده نیست. در متوسطهٔ اوّل عددهای اصلی و ترتیبی تا ۱۲ آموزش داده شده‌اند. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست و از طرح آنها خودداری شود. بدیهی است که در کتاب درسی این مطابقت‌ها در متون و عبارات وجود دارد و دانش‌آموز با دقّت در آنها می‌تواند این ظرافت‌ها را کشف کند؛ اما آموزش و ارزشیابی آنها مدّ نظر نیست.

۶. دانش‌آموزان در دورهٔ اوّل متوسطه با هر دو فعل مجرّد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرّد صحیح و سالم مواجه شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید و حتّی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمَنَ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اُجَابَ، أَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَدَّرَ، زَادَ و ... دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرّد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی این دو درس این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اوّل با فعل‌هایی آشنا شود که فعل ماضی سوم شخص مفرد آنها «ثلاثی مزید» بیش از سه حرف است. تشخیص ثلاثی مزید از ثلاثی مجرّد، ذکر معانی ابواب، ساخت یا صرف فعل و ترجمه از فارسی به عربی آن از اهداف آموزشی نیست. هدف این است که دانش‌آموز بتواند فعل و مصدر ثلاثی مزید را درست ترجمه کند و ماضی، مضارع، امر و نهی و مصدر آنها را از هم درست تشخیص دهد. تشخیص تعداد حروف زائد از اهداف کتاب نیست.

۷. در درس پنجم، جملهٔ اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف، شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اعراب کلمات هدف نیست.

۸. در درس ششم، اعراب جملهٔ اسمیه و فعلیه و سه حالت اعراب اسم (رفع، نصب و جر) آموزش داده شده است. هدف، شناخت اجزای جملات است و توانایی نهادن اعراب (اعراب‌گذاری) هدف آموزشی نیست.



۹. در درس هفتم، فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند. تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

تشخیص نوع نایب فاعل فقط در حالت اسم ظاهر آموزش داده شده است و تشخیص نایب فاعل از نوع ضمیر بارز و ضمیر مستتر هدف نیست. به همین منظور تمرینات کتاب نیز بر اساس نایب فاعل از نوع اسم ظاهر طراحی شده است.

۱۰. در درس هشتم، معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله تشخیص دهد؛ نهادن اعراب جر در اسم مجرور هدف نیست. در این درس نون وقایه نیز تدریس شده است؛ اما ساخت مدّ نظر نیست.

۱۱. در طراحی سؤال درک مطلب به ویژه در کنکور باید از متون کتاب استفاده شود. در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید هیچ واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد یا اینکه ترجمه فارسی آنها ذیل متن داده شود. همچنین نباید ساختاری متفاوت با قواعد کتاب درسی در آنها باشد.

۱۲. التحلیل الصرفی و الإعراب (تجزیه و ترکیب) از اهداف این کتاب نیست؛ اما دانش‌آموز به عنوان نمونه باید تشخیص دهد که «کاتب» و «مکتوب» اسم فاعل و مفعول‌اند؛ یا «استرجع» فعل امر است و معنای «کاتب»، «مکتوب» و «استرجع» را بداند.

۱۳. صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۱۴. مضارع و مصدر برخی فعل‌های ثلاثی مجرد که مصدرشان در کتاب درسی یا در زبان فارسی به کار رفته است، در واژه‌نامه کتاب آمده است؛ اما طرح سؤال امتحانی یا کنکور از آنها هدف نیست.

۱۵. نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۶. مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری، پژوهش و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. انجام بخش پژوهش خارج از کلاس است و ارائه گزارش مربوط به آن بستگی به وقت کلاس دارد.

۱۷. جمله‌سازی، تشکیل، تعریب، تبدیل از صیغه‌ای به صیغه دیگر و نهادن اعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۸. در سایه درست خواندن، درست فهمیدن و ترجمه درست، مهارت سخن گفتن نیز حاصل خواهد شد. توجه داشته باشیم که شمار اندکی از دانش‌آموزان قادرند هنگام سخن گفتن ظرافت‌های دستوری را به خاطر بیاورند و رعایت کنند و این کاملاً طبیعی است؛ زیرا به یاد آوردن قواعد، هنگام سخن گفتن برای هر زبان‌آموزی دشوار است. در سخن گفتن سرعت عمل لازم است و با آزمون کتبی قابل مقایسه نیست. اگر به این نکته بسیار مهم توجه نشود، بدترین ضربه در آموزش مهارت سخن گفتن به دانش‌آموز وارد می‌شود. نظر به دشواری مکالمه باید در امتحانات، مسابقات و کنکور صرفاً از همان عبارات موجود در کتاب سؤال طرح گردد.

۱۹. آموزش فعل و ضمیر در سه کتاب عربی متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس دستور زبان فارسی و به صورت (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین به این صورت بود: (هو، هما، هم، هی، هما، هن، انت، انتما، انتم، انت، انتما، انتن، انا، نحن) شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان بسیار بهتر درس را آموختند. از آنجا که درس عربی در رشته علوم انسانی اختصاصی است، دانش‌آموزان باید با اصطلاحات خاص زبان عربی آشنا باشند. به همین منظور در درس اول نام صیغه‌ها به زبان عربی ذکر شده است.

۲۰. معنای کلمات در امتحان باید در جمله خواسته شود.



۲۱. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۲۲. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد؛ اما متن دروس جای کافی ندارد، می‌توان برای متون کتاب یک ورق در کتاب نهاد، یا یک دفتر کوچک برای بخش ترجمه اختصاص داد.

۲۳. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از دوره اول متوسطه به دوره دوم آمده‌اند و کتاب‌های عربی زبان قرآن پایه‌های یازدهم و دوازدهم نیز ادامه و مکمل روش این کتاب خواهند بود.

نشانی وبگاه گروه عربی: [www.arabic-dept.talif.sch.ir](http://www.arabic-dept.talif.sch.ir)



## سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی است. زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان عربی است. زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است. عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است و زبانی کامل، پرمعنا و قوی است و ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامهٔ سه کتاب پیشین است. هرآنچه در دورهٔ اول متوسطه آموخته‌اید، در این کتاب لابه‌لای متون، عبارات و تمرین‌ها تکرار شده است؛ ترجمهٔ متون و عبارات کتاب بر عهدهٔ شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید؛ به همین منظور در انتهای کتاب همهٔ واژگان سه کتاب عربی دورهٔ اول متوسطه در کنار واژگان عربی دهم قرار داده شده است. استفاده از کتاب‌کار توصیه نمی‌شود. تجربهٔ کتاب‌های کار دورهٔ اول متوسطه نشان داد که تخلّف آشکار از اهداف آموزشی در آن وجود دارد. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، مواردی می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست؛ هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را درست بخوانید و خوب بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید؛ اما ترجمه به عربی هدف کتاب نیست. در بخش مکالمه مطالبی کاربردی آموزش داده شده است، شما می‌توانید آنها را حفظ کنید و با تغییراتی در آن در کلاس با دوستانتان دو به دو تمرین کنید. از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید. کتاب گویا نیز تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید.





## الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الأنعام: ١

ستایش از آن خدای است که آسمانها و زمین را آفرید و

تاریکیها و روشنائی را بنهاد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرْ لَيْتَكَ الشَّجَرَهُ  
 كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ  
 فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي  
 وَانْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي  
 فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا  
 مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا  
 ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي  
 ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَجَةِ  
 انْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ  
 وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ  
 ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَةِ<sup>١</sup>  
 وَكَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ  
 يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ  
 جَذْوَتُهَا مُسْتَعِرَهُ  
 حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَهُ  
 فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرِهِ  
 أَنْعَمُهُ مِنْهُمْ مِرَهُ  
 وَ قُدْرَةَ مُقْتَدِرِهِ  
 أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ  
 كَالدَّرْرِ الْمُنْتَشِرِهِ



١- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَائِيِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمَّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشُّعْرِ.

وَأَنْظُرْ إِلَى الْعَيْمِ فَمَنْ  
 وَأَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَقُلْ  
 مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ  
 ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي  
 أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ  
 فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ  
 مَن شَقَّى فِيهِ بَصَرَهُ  
 بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ  
 أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مِرَهُ

■ آموختن معنای کلمات باید در خلال ترجمه متون و عبارات محقق شود.

غُصُون: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)

عَيْم: ابر

قُلْ: بگو

مُسْتَعِرَةٌ: فروزان

مُفْتَكِرَةٌ: اندیشمند

مُنْهَمِرَةٌ: ریزان

نَضِرَةٌ: تر و تازه

نَمَتْ: رشد کرد «مؤنثِ نَمَا»

يُخْرِجُ: درمی‌آورد

دُرُر: مرواریدها (مفرد: دُر)

ذَا: این ← هَذَا

ذات: دارای

ذَاكَ: آن

ذُو: دارای

زَانٌ: زینت داد

شَرَّرَةٌ: اخگر (پاره آتش)

شَقَّى: شکافت

صَيَّرَ: گردانید

ضِيَاءٌ: روشنایی

إِغْرَارٌ: تیره رنگی، غبار آلودگی

أَنْجُمٌ: ستارگان «مفرد: نَجْم»

نَجْمَةٌ

أَنْزَلَ: نازل کرد

أَنْعَمَ: نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَةٌ»

أَوْجَدَ: پدید آورد

بَالِغٌ: کامل

جَذْوَةٌ: پاره آتش

جَهَّزَ: مجهز کرد

خَصِرَةٌ: سرسبز

# اعلموا

## صيغ الأفعال

با نام‌گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نهی	امر	مضارع	ماضی	ضمیر	نام صیغه به فارسی و عربی	
		أَفْعَلُ	فَعَلْتُ	أنا	من	متکلم وحده اول شخص مفرد
		تَفَعَّلُ	فَعَلْتِ	أنتِ	تو	مفرد مذکر مخاطب دوم شخص مفرد
لا تَفَعَّلِي	اِفْعَلِي	تَفَعَّلِينَ	فَعَلْتِ	أنتِ		مفرد مؤنث مخاطب
		يَفْعَلُ	فَعَلَ	هو	او	مفرد مذکر غایب سوم شخص مفرد
		تَفَعَّلُ	فَعَلَتْ	هي		مفرد مؤنث غایب
		نَفْعَلُ	فَعَلْنَا	نحن	ما	متکلم مع الغير اول شخص جمع
لا تَفَعَّلُوا	اِفْعَلُوا	تَفَعَّلُونَ	فَعَلْتُمْ	أنتم	شما	جمع مذکر مخاطب دوم شخص جمع
لا تَفَعَّلَنَّ	اِفْعَلَنَّ	تَفَعَّلَنْ	فَعَلْتُنَّ	أنتنَّ		جمع مؤنث مخاطب
لا تَفَعَّلَا	اِفْعَلَا	تَفَعَّلَانِ	فَعَلْتُمَا	أنتما		مثنای مذکر مخاطب
لا تَفَعَّلَا	اِفْعَلَا	تَفَعَّلَانِ	فَعَلْتُمَا	أنتما		مثنای مؤنث مخاطب
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	هم	ایشان	جمع مذکر غایب سوم شخص جمع
		يَفْعَلَنَّ	فَعَلَنَّ	هنَّ		جمع مؤنث غایب
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	هما		مثنای مذکر غایب
		تَفَعَّلَانِ	فَعَلْتَا	هما		مثنای مؤنث غایب

۱- از ذکر نام صیغه‌ها به صورت للغائب، للمخاطب و... در ارزشیابی و کنکور خودداری شود.



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## جِوَارُ (التَّعَارُفُ)

أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ <sup>٢</sup>	زائرُ مَرَقَدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَ عَلَیْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَیْكُمْ.
صَبَاحَ النُّورِ وَ السُّرُورِ.	صَبَاحَ الْخَیْرِ يَا أَخِي.
أَنَا بِخَیْرٍ، وَ كَیْفَ أَنْتَ؟	كَیْفَ حَالُكَ؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	بِخَیْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
مَا اسْمُكَ الْكَرِیْمُ؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِیَّةِ الْإِسْلَامِیَّةِ الْإِیرَانِیَّةِ.
إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.	إِسْمِي حُسَیْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِیْمُ؟
لا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لِكُنِّي أَحَبَّ أَنْ أُسَافِرَ <sup>٥</sup> .	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إیرَانَ حَتَّى الْآنَ؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إیرَانَ!
فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِیْبِي.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- تعارف: آشنایی با یکدیگر ٢- قاعة: سالن ٣- مطار: فرودگاه ٤- مع الأسف: متأسفانه ٥- أن أسافر: که سفر کنم

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: كَمِّلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشِرْكٍَ لَّيْسَ لِي إِسْمٌ لِي أَتْرِبُ

و بولسا كى ايمان اورده ايد،

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ الصف: ۲  
 ای کسانی که ایمان آورده اید،  
 why  
 چرا  
 چرا از آن آیه مذکور  
 حضرت باری!

۳- وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ المؤمنون: ۵۱  
 و کار نیکو  
 است  
 رعاه مع

۴- رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ الأعراف: ۴۷  
 پروردگارا،  
 ما

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 به بسیاری و روزه شان و بسیاری حج گزاردن  
 but  
 بلکه به  
 و امانتداری آنها

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 به کسی که در زمین است  
 with

۷- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 دانش را طلب کنید گرچه ، زیرا طلب دانش

التَّمْرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 برای (دنیایت  دنیا ) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی  لذت می ببری )  
 و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری  نزدیک است بمیری ) .

۲- «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 به آنچه گفته است (بنگر  می نگرم ) و به آن که گفته است (ننگر  نمی نگرم ) .

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 هرگاه فرومایگان «فرومایه ترها» (به فرمانروایی برسند  گرامی شوند )؛  
 شایستگان «برترها» هلاک می شوند.

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 هرکس (دشمنی  دوستی ) کاشت؛ (زیان  سود ) درو کرد.

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند  شفا می دهد ) و بسیارش  
 کُشنده است.

۶- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 هرگاه بر (دشمنت قادر شدی  دشمن را شکست دادی ) ، بخشیدن او را  
 شکرانه قدرت یافتن بر او (قرار می دهی  قرار بده ) .

۷- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
 گفتن (می دانم  نمی دانم ) ، نیمی از دانش است.

التمرين الثالث: صَعِّ في الدائرة العَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الشَّرْرَةُ ○ مِّنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْعَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ ○ جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- الْقَمَرُ ○ كَوَكَبٌ يَدُورُ<sup>٢</sup> حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَائُهُ مِّنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الْأَنْعَمُ ○ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥- الْعَيْمُ ○ مِّنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الْفُسْتَانُ ○ قِطْعَةٌ مِّنَ النَّارِ.
- ٧- الدَّرْرُ

التمرين الرابع: صَعِّ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكِبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ / هَذَا دَلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَّارِيَةٌ / أَوْلِيكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَاغَتَانِ

مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث
جمع مكسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم

## التمرين الخامس: ضع المترادفات و المتضادات في مكانها المناسب. = ≠

ضياء / نام / ناجح / مسرور / قريب / جميل / نهاية / يمين / غالية / شراء / مسموح / مجد

..... ≠ يسار	راسب ≠ .....	رخصة ≠ .....
..... ≠ بعيد	بداية ≠ .....	بيع ≠ .....
..... = نور	قبيح ≠ .....	رقد = .....
..... ≠ ممنوع	مجتهد = .....	حزين ≠ .....

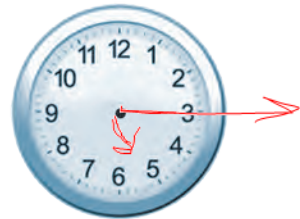
## التمرين السادس: أرسم عقارب الساعات.



السادسة إلا ربعاً



الثامنة والنصف



الخامسة والرُبُع

## ﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

اِبْحَثْ فِي الْاِنْتَرْنِتِ اَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ اَوْ جَمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ  
مَخْلُوقَاتِ اللّٰهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ اِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.

جبال كيركوه في مدينة بدره بمحافظة ايلام



﴿ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ﴾

آل عمران: ١٩١

١- مُسْتَعِينًا بـ: با استفاده از



## الدرس الثاني



قال رسول الله ﷺ :

إني مسؤولٌ وإنكم مسؤولون.

بی گمان من و شما مسئول هستیم.



كَانَتْ سُمِّيَّةُ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ، وَ كَانَتْ حُجْرَاتِ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرَعَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.

عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سُمِّيَّةُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفٍّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حَرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ، وَجَدَتْ الْحُجْرَةَ فَارِغَةً وَ بَابَهَا مُغْلَقًا، فَذَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سُمِّيَّةِ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

عِنْدَئِذٍ شَاهَدَتْ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَنْفِيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.

وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِي، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سُمِّيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.

وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْإِجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةُ وَ سَأَلَتْ الْمُدْرَسَةَ:

«مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ؟»

أَجَابَتْ الْمُدْرَسَةُ: «هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا. إِذَا فَهِمْتَ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمْثَلَةً لِلْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.»

أَجَابَتْ رُقِيَّةُ: «الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشْفَيَاتُ وَ الْمُسْتَوْصَفَاتُ وَ الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوَارَاتُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ...»

أَجَابَتْ الْمُدْرَسَةُ: «أَحْسَنْتِ، وَ الْحِفَافُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَافِقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ.»



سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ: «لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوَلَةِ.»

قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ: «بَلْ هِيَ مَسْئُولِيَّةٌ مُشْرَكَةٌ، فَسَمِيَّةُ الَّتِي أَطْفَأَتِ الْمَكْيِيفَ وَ الْمَصَابِيحَ

وَ فَاطَمَهُ الَّتِي أَغْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمَدْرَسَةِ فَتُحَافِظُ عَلَى

الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نِظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا، وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النِّفَايَاتِ فِي غَيْرِ

مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هُوَ لِأَنَّ يَعْمَلْنَ بِوَاجِبَاتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ.»

قَامَتْ سَمِيَّةُ وَ قَالَتْ:

«أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةُ هَذَا الْحَدِيثِ عَلَى اللُّوْحَةِ الْجِدَارِيَّةِ؟

إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

قَبِلَتْ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ: «هَذَا الْإِقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَتَتَعَاوَنُ جَمِيعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.»

فَرَعٌ: خالی شد

قَامَ: برخاست

مَارَسَ: انجام داد، تمرین کرد

مَرَافِقُ عَامَّةٌ: تأسیسات عمومی

مُغْلَقٌ: بسته شده

مَكْيِيفُ الْهُوَاءِ: کولر

مُوَاطِنٌ: شهروند، هم‌میهن

نَشَاطٌ: فعالیت

نَصَحَ: پند داد

نُفَايَةُ: زباله

هُدُوءٌ: آرامش

هَاتِفٌ: تلفن

تَعَاوَنَ: همکاری کرد

تَيَّارٌ: جریان

حَافِظٌ: نگهداری کرد

حُجْرَاتٌ: اتاق‌ها

حُرٌّ: آزاد، آزاده

حِصَّةٌ: زنگ درسی، قسمت

حِفَاظٌ عَلَى: نگهداری از

حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب

دَوَامٌ مَدْرَسِيٌّ: ساعت کار مدرسه

دَوْرَةُ الْمِيَاهِ: سرویس بهداشتی

رَمَى: پرت کرد

عِنْدَيْدٍ: در این هنگام

أَحْسَنْتِ: آفرین بر تو

أَخْبَرَ: خبر داد

إِصْطِفَافٌ صَبَاحِيٌّ: صف صبحگاه

أَطْفَأَ: خاموش کرد

أَعْمِدَةٌ: ستون‌ها «مفرد: عمود»

أَغْلَقَ: بست

إِقْتِرَاحٌ: پیشنهاد

إِمْتَلَكَ: مالک شد

إِنْتَفَعَ: سود بُرد

بَهَائِمٌ: چارپایان (به جز درندگان)

«مفرد: بهیمة»

بِقَاعٌ: قطعه‌های زمین

«مفرد: بُقْعة»

## عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ١- كَانَتْ سُمَيَّةُ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَنْزِلِ.
- ٢- ذَهَبَتْ الْمُدِيرَةُ نَفْسَهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.
- ٣- أَخْبَرَتْ سُمَيَّةُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الْحُجْرَةِ.
- ٤- الْمَرَاغِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ.
- ٥- شَكَرَتْ الْمُدِيرَةُ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ.

## إِعْلَمُوا

### الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الأعدادُ الأصليَّةُ (واحدٌ إلى عشرين)	الأعدادُ الترتيبيةُ (الأولُ إلى العشرين)	العقودُ
واحد ١	الأول ١م	أحد عشر ١١م
إثنان ٢	الثاني ٢م	عشرون ٢٠م
ثلاثة ٣	الثالث ٣م	ثلاثون ٣٠م
أربعة ٤	الرابع ٤م	أربعون ٤٠م
خمسة ٥	الخامس ٥م	خمسون ٥٠م
ستة ٦	السادس ٦م	ستون ٦٠م
سبعة ٧	السابع ٧م	سبعون ٧٠م
ثمانية ٨	الثامن ٨م	ثمانون ٨٠م
تسعة ٩	التاسع ٩م	تسعون ٩٠م
عشرة ١٠	العاشر ١٠م	العشرون ٢٠م

۱- به کلمات «رِجَالٍ» و «گَوَکِبًا» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدَ عَشَرَ گَوَکِبًا» معدود گفته می‌شود.

۲- گاهی عددهای ثَلَاثَةٌ تا عَشْرَةٌ بدون «ة» می‌آیند؛ مثال: ثَلَاثٌ و ثَلَاثَةٌ؛ أَرْبَعٌ و أَرْبَعَةٌ.

۳- «مِئَةٌ» به معنای «صد» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می‌شود.

۴- عددهای «عِشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ، خَمْسُونَ، سِتُونَ، سَبْعُونَ، ثَمَانُونَ، تِسْعُونَ» عُقُود نام دارند.

۵- عُقُود با «وَنَ» و «يَنَ» می‌آید؛ مثال: أَرْبَعُونَ و أَرْبَعِينَ. (فرق این دو را در درس‌های آینده خواهید خواند.)

۶- «وَاحِدٌ، وَاحِدَةٌ» و «إِثْنَانٍ، إِثْنَيْنِ، إِثْنَانِ، إِثْنَيْنِ» بعد از معدود می‌آیند؛ مثال: سَائِحٌ وَاحِدٌ، غُصْنَانِ اثْنَانِ، امْرَأَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ.

۷- معدود سه تا ده مضافٌ الیه و به صورت جمع است. مثال: ثَلَاثَةٌ كُتُبٌ.

۸- به عددهایی مانند وَاحِدٌ و عِشْرُونَ، اِثْنَانِ و عِشْرُونَ معطوف گفته می‌شود.

۹- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال:

أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ (۵۴)، تِسْعَةٌ وَ سَبْعُونَ (۷۹)

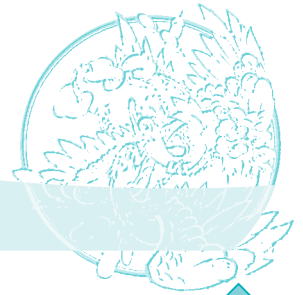
۱۰- معدود عددهای «یازده» تا «نود و نه» مفرد هستند؛ مثال:

أَحَدَ عَشَرَ گَوَکِبًا، تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ يَوْمًا.<sup>۱</sup>

۱- طرح سؤال از مبحث عدد، خارج از ده نکته فوق در هر آزمونی به‌ویژه در کنکور خلاف اهداف آموزشی است.

## إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

.....	١- ﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الأعراف: ١٤٢
.....	٢- ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الأعراف: ١٥٥
.....	٣- خَمْسَةَ عَشَرَ تِمْتَالًا
.....	٤- وَاحِدَةٌ وَعِشْرُونَ جَامِعَةً
.....	٥- سِتُّ عَشْرَةَ مَدِينَةً
.....	٦- تِسْعٌ وَتِسْعُونَ بَقْرَةً
.....	٧- سَبْعٌ وَثَلَاثُونَ حَدِيقَةً
.....	٨- وَاحِدَةٌ وَسَبْعُونَ قَرْيَةً
.....	٩- إِثْنَانِ وَثَمَانُونَ عَامًا
.....	١٠- تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ كُرْسِيًّا



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جواز  
(في مطار النجف الأشرف)

سائح من الكويت	سائح من إيران
و عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
مَسَاءَ النُّورِ يَا عَزِيزِي.	مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.
لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنَ بَاكِسْتَانِ؟	هَلْ حَضَرْتُكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟
جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتَ أَنْتَ؟	لَا؛ أَنَا إِيرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتَ لِلزِّيَارَةِ؟
كَمْ عُمْرُكَ؟	أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟	عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.
مَا أَجْمَلُ غَابَاتِ مازندرانِ وَ طَبِيعَتِهَا!	أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جَوِيبارِ فِي مَحَافِظَةِ مازندرانِ.
نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرِّضَا، ثَامِنِ أَيْمِنُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.	هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيرَانَ مِنْ قَبْلُ؟!
إِنَّ إِيرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَ الشَّعْبُ الْإِيرَانِيُّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ.	كَيْفَ وَجَدْتَ إِيرَانَ؟



۱- سائح: گردشگر ۲- ما أَجْمَلُ: چه زیباست! ۳- شَعْبٌ: ملت ۴- مِضْيَافٌ: مهمان‌دوست

التَّمرينُ الأوَّلُ: اكتبِ العَمَلِيَّاتِ الحِسابِيَّةَ التَّالِيَةَ بِالْأَعْدَادِ كَالْمِثَالِ.

(+ زائدٌ<sup>١</sup>) (- ناقصٌ<sup>٢</sup>) (÷ تقسيمٌ عَلَى) (× في، ضربٌ في)

١- عَشْرَةٌ<sup>٣</sup> فِي ثَلَاثَةٍ يُساوي<sup>٤</sup> ثَلَاثِينَ.  $10 \times 3 = 30$

٢- تِسْعُونَ ناقصٌ عَشْرَةٌ يُساوي ثَمَانِينَ.

٣- مِئَةٌ تقسيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُساوي عِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُساوي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

٥- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زائدٌ خَمْسَةٌ وَ عِشْرِينَ يُساوي مِئَةً.

٦- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تقسيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُساوي واحِداً وَ أَرْبَعِينَ.

التَّمرينُ الثَّاني: اكتبِ فِي الفَرَاغِ عَدداً تَرْتِيبِيًّا مُناسِباً.

١- اليَوْمُ ال ..... مِنْ أَيَّامِ الأُسْبُوعِ يَوْمُ الأَحَدِ.

٢- اليَوْمُ ال ..... مِنْ أَيَّامِ الأُسْبُوعِ يَوْمُ الخَمِيسِ.

٣- الفَصْلُ ال ..... فِي السَّنَةِ الإِيرانِيَّةِ فَصْلُ الشِّتَاءِ .

٤- الفَصْلُ ال ..... فِي السَّنَةِ الإِيرانِيَّةِ فَصْلُ الخَرِيفِ.

٥- يَأْخُذُ الفَائِزُ الأوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الفَائِزُ ال ..... جَائِزَةً فِضِّيَّةً.

١- زائد: به علاوه ٢- ناقص: منهای ٣- برای اختصار کلمه «ضرب» در «ضرب في» حذف می شود.

٤- يساوي: مساوی است با

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

- ١- النَّشَاطُ ○ إعطاءُ حَلٍّ وَ بَيَانُ طَرِيقَةٍ لِلْقِيَامِ بِعَمَلٍ.
- ٢- الدَّوَامُ ○ آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ.
- ٣- الْحِصَّةُ ○ سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمُوظَّفِينَ وَ الْعُمَّالِ.
- ٤- الْهَاتِفُ ○ هُوَ الَّذِي يَعِيشُ مَعَنَا فِي وَطَنِ وَاحِدٍ.
- ٥- الْإِقْتِرَاحُ ○ عَمَلٌ بِتَحْرُكٍ وَ سُرْعَةٍ.
- ٦- الْمُوَاطِنُ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ.»

عَشْرُ / الْهُدُوءُ / خَمْسِينَ / أَعْمَدَةٌ / أَخْبَرْنَا / مِضْيَافٍ / حُجْرَةٌ / يَمْتَلِكُ / فَرَعَتْ

- ١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا ..... عَامًا﴾ الْعَنْكَبُوتُ: ١٤  
٩٥٠ سال
- ٢- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ ..... أَمْثَالِهَا﴾ الْأَنْعَامُ: ١٦٠
- ٣- سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى.....
- ٤- أَلْجِيرَانُ ..... بِمَا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ.
- ٥- أَنْزَلَ الْعَامِلُ الْبُضَائِعَ فَ ..... السَّيَّارَةُ.
- ٦- هَلْ ..... أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ؟
- ٧- لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ ..... فَارِعَةٌ.

١- أَرْسَلْنَا: فرستاديم ٢- لَبِثَ: درنگ کرد ٣- جَاءَ بِ: آورد

الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ الثَّلَاثَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنْ ...

١- ... الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟

٢- ... النَّمْلَةَ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟

٣- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

٤- ... طُولَ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةُ أَمْتَارٍ؟ (أَمْتَارٌ: جَمْعُ مِتر)

٥- ... الْغُرَابُ يَعِيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ؟



٣- يَفُوقُ: بَرْتَرَى مِ يَابَد

٢- نَمْلَةٌ: مَوْرِجَه

١- سَمَاعٌ: شَنِيدَن



## الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْعَدَدِ أَوْ الْمُعْدُودِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ.

- ١- فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي ..... صُفُوفٍ. عَشْرَةَ  الْعَاشِرِ
- ٢- يَلْعَبُ أَحَدُ عَشَرَ ..... فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ. لَاعِبِينَ  لَاعِبًا
- ٣- أَرْبَعَةٌ ..... وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْتَظَمَةِ. جُنُودٍ  جُنْدِيٍّ
- ٤- تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي ..... حُجْرَاتٍ مَقْطُوعٌ. الرَّابِعِ  أَرْبَعِ
- ٥- ..... اثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ. قَمَرَانِ  أَقْمَارٍ
- ٦- ..... وَاحِدَةٌ فِي الْحَدِيقَةِ مُغْلَقَةٌ. أَنْبُوبَةٌ  أَنْبَابٌ



## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

أَكْتُبُ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ نَصًّا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مَسْئَلَةٍ جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ  
بِالنِّسْبَةِ لِثَرَوَاتِ الْوَطَنِ وَالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ وَالْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ وَ أَكْتُبُ تَرْجَمَتَهَا الْفَارِسِيَّةَ وَ  
الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ.



الْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ مِنْ بُسْتَانِ إِذْلَغُولِي فِي مَدِينَةِ تَبْرِيزِ.

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

Safeguard the earth, for it is your mother.

از زمین نگهداری کنید؛ زیرا مادرتان است.



## الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ آرُوم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و [بادها] ابری را  
برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می‌گستراند.

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ  
وَ النَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمِنُ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ  
ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا فَاَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتِ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِرُ أَسْمَاكَ.  
يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ  
طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.



تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أَحْيَانًا. فَيَلْحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً  
وَرَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطْرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الأَرْضُ  
مَفْرُوشَةً بِالأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.



حَاوَلَ العُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ العَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِزِيَارَةِ المَكَانِ وَ  
التَّعَرُّفِ عَلَى الأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ  
أَكْثَرَ الأَسْمَاكِ المُنْتَشِرَةِ عَلَى الأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ العَرِيبَ فِي الأَمْرِ أَنَّ الأَسْمَاكِ  
لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالمِيَاهِ المُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ المُحِيطِ الأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِئَتَيْ  
كِيلُومِترٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الأَسْمَاكِ. مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعْصَارٌ  
شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ  
سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الهِنْدُورَاسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ».





حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	تَسَاقَطُ: پی در پی افتاد	أَثَارَ: برانگیخت
ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر»	التَّعَرُّفُ عَلَيَّ: شناختن	إِحْتَفَلْ: جشن گرفت
فَلْمٌ: فیلم «جمع: أفلام»	تَلْجٌ: برف، یخ «جمع: تُلُوج»	أَرْسَلَ: فرستاد
لَا حَظَّ: ملاحظه کرد	حَسَنًا: بسیار خوب	أَصْبَحَ: شد
الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيُّ: اقیانوس اطلس	حَيْرٌ: حیران کرد	إِعْصَارٌ: گردباد «جمع: أعاصير»
مَفْرُوشٌ: پوشیده	سَحَبٌ: کشید	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی
مِهْرَجَانٌ: جشنواره	سَمِيٌّ: نامید	أَمْطَرَ: باران بارید
نُزُولٌ: پایین آمدن	سَوْدَاءٌ: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بَسَطَ: گستراند
	سَنَوِيًّا: سالانه	بَعْدَ: دور شد
	صَدَّقَ: باور کرد	تَرَى: می بینی «أَنْ تَرَى: که ببینی»

x ✓



### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَيُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّعُّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

## اعلموا

### الفعل الثلاثي المجرد والمزيد (١)

در زبان فارسی به فعل‌هایی مانند «رفت» و «برگشت»، سوم شخص مفرد می‌گوییم. فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شوند.

**گروه اول:** ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود. بیشتر فعل‌های عربی متوسطه اول این‌گونه بودند؛ مانند: حَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

**گروه دوم:** ثلاثی مزید؛ فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اسْتَحْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ؛ این فعل‌ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد.

این فعل‌ها هشت دسته‌اند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود.

در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید «استفعال، افتعال، انفعال و تفعل» آمده است.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
اسْتَفْعَال	اسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلَ
اِفْتِعَال	اِفْتَعِلْ	يِفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ
اِنْفِعَال	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ
تَفَعُّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ

۱- دانش‌آموز باید وزن‌های فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

أَلْبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصَدَر
إِسْتِفْعَال	إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	اسْتَرْجِعْ: پس بگیر	إِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
إِفْتِعَال	إِسْتَعَلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می‌کند	اسْتَعِلْ: کار کن	إِسْتِغَال: کار کردن
إِنْفِعَال	إِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	انْفَتِحْ: باز شو	إِنْفِتَاح: باز شدن
تَفَعُّل	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	تَخْرُجُ: دانش‌آموخته شدن

## إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

### تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

باب			مضارع	ماضی
	يَسْتَعْفِرُ:	اسْتَعْفَرَ:	مضارع	ماضی
	إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن	اسْتَعْفَرَ:	مصدر	امر
	يَعْتَذِرُ:	اعْتَذَرَ:	مضارع	ماضی
	إِعْتِذَار: پوزش خواستن	اعْتَذَرَ:	مصدر	امر
	يَنْقِطِعُ:	انْقَطَعَ:	مضارع	ماضی
	إِنْقِطَاع: بُریده شدن	انْقَطَعَ:	مصدر	امر
	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:	مضارع	ماضی
	تَكَلُّم: سخن گفتن	تَكَلَّمَ:	مصدر	امر



## الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل، فاعل و مفعول آشنا شوید.

**فعل**، کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

**فاعل**، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

**مفعول**، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می‌شود و به مفعول نیاز ندارد، فعل لازم نام دارد.

مثال: رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت.

تَجَلَسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می‌نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، فعل متعدی گفته می‌شود.

مثال: أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد.

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می‌برد.

## اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

۱- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ...﴾ يوسُف : ٤

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمَكِيفَاتِ.

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرَرِ.

۴- تَنَمُو الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ.

۵- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدًا حَاسِبًا لَهُ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## جَوَازٌ

(في قِسْمِ الْجَوَازَاتِ<sup>١</sup>)

اَلْمَسَافِرُ الْإِيرَانِيَّ	شُرْطِيَّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ
نَحْنُ مِنْ إِيرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُلٍ.	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟
أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.	مَرَحَبًا بِكُمْ <sup>٢</sup> . شَرَفْتُمُونَا <sup>٣</sup> .
أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.	مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!
سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَحْوَايَ <sup>٥</sup> .	كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ <sup>٤</sup> ؟
نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهَا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.	أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ <sup>٦</sup> الدُّخُولِ؟
عَلَى عَيْنِي.	الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِسَارِ لِتَفْتِيْشِ <sup>٧</sup> .
نَحْنُ جَاهِزُونَ <sup>٨</sup> .	رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.



١- جَوَاز: گذرنامه ٢- مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ٣- شَرَفْتُمُونَا: مشرف فرمودید ٤- مُرَافِق: همراه ٥- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَحْوَايَ: پدر و مادر، دو خواهرم و دو برادرم ٦- بَطَاقَة: کارت، بلیت ٧- تَفْتِيْشِ: بازرسی ٨- جَاهِزُونَ: آماده

التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ x

- ١- الْمِهْرَجَانُ اِحْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلامِ. ....
- ٢- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَط. ....
- ٣- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورِزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْهَجْرِيَّةِ الشَّمْسِيَّةِ. ....
- ٤- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النُّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ. ....
- ٥- الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. ....

التَّمرينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- |                         |                       |   |
|-------------------------|-----------------------|---|
| ١- مَكِّيْفُ الْهَوَاءِ | <input type="radio"/> | يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَّابُ.                                       |
| ٢- الْمِشْمِشُ          | <input type="radio"/> | مَا لَيْسَ مَفْتُوحاً؛ بَلْ مَسْدُوداً.                           |
| ٣- الْمُعْلَقُ          | <input type="radio"/> | جِهَازٌ لِلخَلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.                      |
| ٤- الْخَضِرَةُ          | <input type="radio"/> | فَاكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً وَ غَيْرَ مُجَفَّفَةٍ. |
| ٥- الصَّفُّ             |                       |   |

التَّمرينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

- أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةٌ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةٌ / مِهْرَجَانُ / نُزُولُ / عُرْفَةٌ  
 / ..... / ..... / ..... / .....

الْتَمْرَيْنِ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، وَعَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَ.

١- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا<sup>٢</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- شَاهَدَ النَّاسُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ.

٣- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدُونَ فَيَحْصِدُ الْخُسْرَانَ.

٤- ذَهَبَتْ سُمَيَّةُ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ.

٥- يَرْجِعُ الطُّلَابُ مِنَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث پیامبر اسلام ﷺ

١- نیام: خفتگان ٢- اِنْتَبَهُوا: بیدار شدند (بیدار شوند)

الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

﴿رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾	﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾	﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾
.....	.....	.....
﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾	﴿وَلَا تَيْأَسُوا﴾	﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾
.....	.....	.....
﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾	﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾	﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ﴾
.....	.....	.....
﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾	﴿جَعَلَهُمْ آئِمَّةً﴾	﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾
.....	.....	.....
﴿أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾	﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾	﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾
.....	.....	.....
﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا﴾	﴿وَاتْرِكِ الْبَحْرَ﴾	﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾
.....	.....	.....

## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرْنِتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.







## الدَّرْسُ الرَّابِعُ

وَلَوْ كُنَّا إِلَّا رِجَالًا لَّوَجَدْنَا لِبَيْتِكُمْ آيَاتًا وَلَوْ كُنَّا إِلَّا نَجَارًا

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ الْأَنْبِيَاءُ : ٩٢  
بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس  
مرا پرستید.

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ أَيِّ إِسَاءَةٍ؛  
فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ  
عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾<sup>١</sup> فَصَّلَتْ: ٣٤

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهَوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ...﴾<sup>٢</sup> الْأَنْعَامُ: ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ  
أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً﴾ آلْ عِمْرَانَ: ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ  
أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً، مَعَ اخْتِفَافٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ  
﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّؤْمُ: ٣٢

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوباً وَ

قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْخُجُرَاتُ: ١٣

١- و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

٢- کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند ...



يَأْمُرْنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ١٠٣

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِيجَادَ التَّفْرِيقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

إِحْتَرَمَ: احترام گذاشت

إِحْتِفَافًا: نگاه داشتن

إِسَاءَةٌ: بدی کردن

إِسْتَوَى: برابر شد

أَشْرَكَ: شریک قرار داد

إِعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت)

أَكَّدَ: تأکید کرد

أُنْثَى: زن، ماده

أَلَا: که ن... أَلَا نَعْبُدُ: که نپرستیم

(أَنَّ+لَا+نَعْبُدُ)

أَيُّ إِسَاءَةٍ: هرگونه بدی، هرگونه

بی ادبی

تَجَلَّى: جلوه گر شد

تَعَارَفَ: یکدیگر را شناختن

﴿لِتَعَارَفُوا: تا یکدیگر را بشناسید.﴾

تَعَايَشَ: همزیستی داشت

«أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشًا سَلْمِيًّا: که

همزیستی مسالمت آمیز کنند.»

تَفَرَّقَ: پراکنده شد

لَا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید

جَازَ: جایز است

حَبَلٌ: طناب «جمع: حبال»

حُرِّيَّةٌ: آزادی

حَمِيمٌ: گرم و صمیمی

خِلَافٌ: اختلاف

خُمْسٌ: یک پنجم

دَعَا: فرا خواند، دعا کرد

«يَدْعُونَ: فرا می خوانند»

دَكَّرَ: مرد، نر

فَرِحَ: شاد

فَرَّقَ: پراکنده ساخت

قَائِدٌ: رهبر «جمع: قادة»

قَائِمٌ: استوار، ایستاده

سَبَبٌ: دشنام داد

سُكَّانٌ: ساکنان

سَلْمِيٌّ: مُسَالَمَتِ آمِيز

«سَلْمٌ: صلح»

سَوَاءٌ: یکسان

عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان

عَمِيلٌ: مزدور «جمع: عملاء»

فَضْلٌ: برتری، فزونی

لَدَيْهِمْ: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»

مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر

مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر

خدا

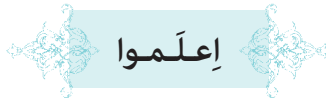


x ✓



## عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ..... ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْوَعْدَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.
- ..... ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
- ..... ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.
- ..... ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ.
- ..... ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.



## إِعْلَمُوا

### الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.  
با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تفاعّل، تفعیل، مُفاعلة و إفعال) آشنا شوید.

المصدر	الأمر	المضارع	الماضي
تَفَاعَل	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَل
تَفَعِيل	فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّل
مُفَاعَلَة	فَاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعَل
إِفْعَال	أَفْعِلْ	يُفْعِلُ	أَفْعَل

أَبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
تَفَاعُلٌ	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهَ: همانند شو	تَشَابُهٌ: همانند شدن
تَفْعِيلٌ	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرَّحَ: شاد کن	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
مُفَاعَلَةٌ	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالَسَ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
إِفْعَالٌ	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	أَخْرَجَ: بیرون بیاور	إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن

## إِخْتَبَرِ نَفْسَكَ:

### تَرِجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، وَ اكْتُبْ بِأَبَاهَا.

#### باب

تَعَامَلَ:      يَتَعَامَلُ:

ماضي      مضارع

امر      مصدر

تَعَامَلُ: داد و ستد کردن

عَلَّمَ:      يُعَلِّمُ:

ماضي      مضارع

امر      مصدر

تَعَلَّمَ: یاد دادن

كَاتَبَ:      يُكَاتِبُ:

ماضي      مضارع

امر      مصدر

مُكَاتَبَةٌ: نامه نگاری کردن

أَجْلَسَ:      يُجْلِسُ:

ماضي      مضارع

امر      مصدر

إِجْلَاسٌ: نشاندن

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جَوَارٌ  
(في صَالَةٍ التَّفْتِيشِ بِالْجَمَارِكِ<sup>٢</sup>)

الزَّائِرَةُ	شُرْطِي الْجَمَارِكِ
عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ؟	إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا.
لَا بَأْسَ.	تَفْتِيشٌ بَسِيطٌ.
لِأَسْرَتِي.	عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
تَفَضَّلْ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.	إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ <sup>٣</sup> .
فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَقَّةُ وَالْمَلَابِيسُ ...	مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟
لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ <sup>٤</sup> .	مَا هَذَا الْكِتَابُ؟
حُبُوبٌ مُهَدَّنَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.	مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟
وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جِدًّا.	هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.
شُكْرًا.	لَا بَأْسَ.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي.



١- صَالَةٌ: سالن ٢- جَمَارِك: گمرک ٣- مِنْ فَضْلِكَ: لطفاً ٤- ذِكْرِيَّات: خاطرات

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ النَّصِّ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- رَئِيسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْؤُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ. ....
- ٢- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعْضَ الْآخَرَ. ....
- ٣- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ. ....
- ٤- جُزءٌ وَاحِدٌ مِنْ خَمْسَةٍ. ....

التَّمْرِينُ الثَّانِي: صَغْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

سَوَاءٍ / الشَّعْبُ / يَجُوزُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيْ / مِنْ دُونِ

١- ..... جَوَّالٌ تَفْرَعُ بَطَارِيئُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.

٢- زُمَّلَائِي فِي الدَّرْسِ عَلَيَّ حَدٌّ .....

٣- لِصَدِيقِي ..... فِي حُسْنِ الْخُلُقِ.

٤- لَا يَقْبَلُ ..... الْإِيرَانِيَّ أَيَّ صَغَطٍ.

٥- لَا تَعْبُدُوا ..... اللَّهَ أَحَدًا.

الْتَمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ...)

١- ... الزَّرَافَةَ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَّاحِلَ؟

٢- ... مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُودًا وَرَقِيَّةً؟

٤- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقْفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قَشِرِهِ؟



الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اَكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ.

١- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتٍ خَرِبٍ فَتَعَلَّمُوا وَ عَلِّمُوا وَ تَفَقَّهُوا<sup>١</sup>، وَ لَا تَمُوتُوا جُهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ<sup>٢</sup> عَلَى الْجَهْلِ.

٢- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ.

٣- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ<sup>٣</sup> نَفَعَكَ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ<sup>٤</sup> نَفَعَكَ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.

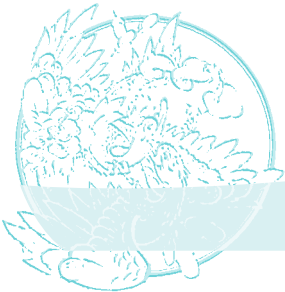
٤- لَا تَجْتَمِعُ خَصْلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِذْبُ.

١- تَفَقَّهُوا: دَانِسَ بِيَامُزِيدٍ ٢- لَا يَعْذِرُ: عَذَرَ نَمِي بِذِيرِدٍ ٣- إِنْ جَالَسْتَهُ: اِغْرَبَا أَوْ هَمْنَشِينِي كُنِي

٤- إِنْ مَاشَيْتَهُ: اِغْرَبَا أَوْ هَمْرَاهِي كُنِي

التَّمْرِينُ الخَامِسَ: تَرَجِّمُ أفعالَ هَذَا الجَدولِ وَ مَصَادِرَها.

الأمرُ	المَصَدْرُ	المُضارعُ	الماضي
أَنْتِجْ	إِنْتاج	يُنْتِجُ	أَنْتَجَ
شَجِّعْ	تَشْجِيع	يُشَجِّعُ	شَجَّعَ
ساعِدْ	مُساعدَة	يُساعدُ	ساعَدَ
تَساقُطْ	تَساقُط	يَتَساقُطُ	تَساقَطَ
اسْتَحْدِمْ	اسْتِخدام	يَسْتَحْدِمُ	اسْتَحْدَمَ
انْتَفِعْ	انْتِفاع	يَنْتَفِعُ	انْتَفَعَ
تَعَلَّمْ	تَعَلُّم	يَتَعَلَّمُ	تَعَلَّمَ
انْكَسِرْ	انْكِسار	يَنْكَسِرُ	انْكَسَرَ





التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا وَ صَيِّغْهَا. ۞ نُورُ السَّمَاءِ ۞

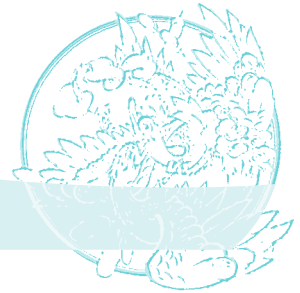
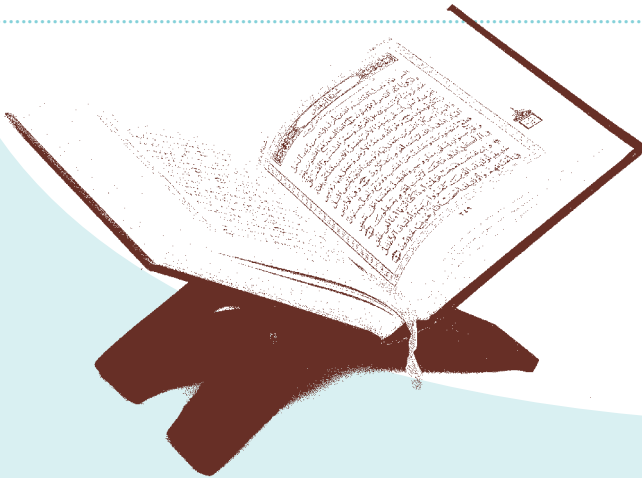
١- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ البقرة: ٢٢

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ البقرة: ٢٥٧

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غافر: ٥٥

٤- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الإسراء: ١٠٥

٥- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ البقرة: ٣٠



## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).  
 أَرْسَلْنَا . اِنْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرْ . اِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ



## الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْعَنْكَبُوت: ٢٠  
بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خداوند] آفرینش را آغاز کرد.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان: ١١

﴿الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعُ ضَوْؤُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحَوَّلَ ظَلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التَّقَاطُ صَوْرٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عَيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟



رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ».

﴿إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِئِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِمَ.

﴿إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيرَتِهَا

الْأَعْشَابَ الطَّبِئِيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ

لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِئِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

﴿إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعَجَّةِ خَاصَّةً بِهَا،

تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا،

فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحْذِرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا

عَنْ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهِيَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.





لِلْبَطَّةِ غَدَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا  
تَنْشُرُهُ عَلَى جِسْمِهَا فَلَا يَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.



تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا  
فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ  
تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تَعْوِضُ هَذَا النِّقْصِ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا  
فِي كُلِّ جِهَةٍ؛ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِئْتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.







إِبْتَعَدَ: دور شد  
 «حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود»  
 إِتْجَاهَ: جهت  
 أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد  
 «أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»  
 أَنْ تَرَى: که ببیند  
 إِسْتَفَادَ: بهره بُرد  
 «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد»  
 إِضَافَةً إِلَى: افزون بر  
 أَعْشَابَ طَبِيبَةٍ: گیاهان دارویی  
 «مفرد: عُشْبَ طَبِيبٍ»  
 أَفْرَزَ: ترشح کرد  
 إِلتَامَ: بهبود یافت  
 «حَتَّى يَلْتَمِمْ: تا بهبود یابد»  
 اِتِّتَاقُ صُورٍ: عکس گرفتن  
 إِنْارَةٌ: نورانی کردن

بَرِيٍّ: خشکی، زمینی  
 نَبَاتَاتٌ بَرِّيَّةٌ: گیاهان صحرایی  
 بَطٌّ، بَطَّةٌ: اردک  
 بَكْتِيرِيَا: باکتری  
 بَوْمٌ، بَوْمَةٌ: جغد  
 تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت  
 تَحْتَوِي: در بر دارد  
 تَحَرَّكَ: حرکت کرد  
 تَنْشُرُ: پخش می کند  
 جُرْحٌ: زخم  
 حَرَكٌ: حرکت داد  
 حَوَّلَ: تبدیل کرد  
 حِرْبَاءٌ: آفتاب پرست  
 دَلٌّ: راهنمایی کرد  
 دُونَ أَنْ: بی آنکه  
 «دُونَ أَنْ تُحَرَّكَ: بی آنکه حرکت بدهد»

دَنْبٌ: دُم «جمع: أَدْنَاب»  
 زَيْتٌ: روغن «جمع: زُيُوت»  
 سَارَ: حرکت کرد، به راه افتاد  
 سَائِلٌ: مایع  
 ضَوْءٌ: نور «جمع: أَضْوَاء»  
 ظَلَامٌ: تاریکی  
 عَوَّضَ: جبران کرد  
 قِطٌّ: گربه  
 لِعَيْ: لیسید  
 مُضِيٌّ: نورانی  
 مُطَهَّرٌ: پاک کننده  
 وَقَايَةٌ: پیشگیری  
 مَلَكٌ: مالک شد، فرمانروایی کرد  
 يَسْتَطِيعُ: می تواند = يَقْدِرُ  
 يَسْتَعِينُ بِ: از ... یاری می جوید  
 يُبْعَثُ: فرستاده می شود

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ ✕

- ..... ۱- لِلزَّرَاقَةِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ..... ۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيَّةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ.
- ..... ۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ فَقَطْ.
- ..... ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرَزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ..... ۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ..... ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبَوْمَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

## إِعْلَمُوا

### «الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الْإِسْمِيَّةُ»

به جمله «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» «جمله فعلیه» گفته می‌شود؛ زیرا با فعل شروع شده‌است.

الگوی جمله فعلیه این است: يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.

فعل      فاعل      مفعول

دو جمله «اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» و «اللَّهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ.» با اسم شروع شده‌اند. به چنین

جمله‌هایی «جمله اسمیه» گفته می‌شود.

الگوی جمله اسمیه این است: اللَّهُ يَغْفِرُ.

مبتدا      خبر

به جمله «اللَّهُ عَالِمٌ.» جمله اسمیه گفته می‌شود؛ زیرا با اسم شروع شده‌است.

مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی‌اند.

مبتدا، اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا خبری می‌دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می‌کند.



عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ، ثُمَّ اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ<sup>١</sup>.

١- ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ آتُور: ٣٥ خدا برای مردم مثلها می زند.

٢- إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةً. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَبَاهٍ كَرَدِنِ فُرْصَتِ اَنْدُوهِ اسْت.

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورُ<sup>٢</sup> الْأَحْرَارِ<sup>٣</sup> قُبُورُ الْأَسْرَارِ.

سینه های آزادگان گورهای رازهاست.

مبتدا مضاف الیه  
خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمُجِدُّ أَشْجَارَ التُّفَاحِ.

کشاورزِ کوشا درختان سیب می کارد.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ.

١- أَلْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- تَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أميرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي

١- منظور از «عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول،

مضاف الیه، صفت و ...

٢- صُدُورُ: سینه ها ٣- أحرار: آزادگان ٤- قَسَمَ وَ قَسَمَ: تقسیم کرد



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## جَوارُ مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ

السَّائِقُ	سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ
أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.	أَنَا فِي خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.
كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟	أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِتْرًا. عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟
لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!	لَأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزُّوَارِ.
فِي الْبِدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمَدِينِ الْأَرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاظِمِيَّةِ.	زِيَارَةُ مَقْبُولَةٌ لِلْجَمِيعِ! أَ تَعْرِفُ مَنْ هُوَ السَّلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟
نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَسْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.	أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ طَاقِ كِسْرَى؟
بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى: الْبُحْتَرِيُّ مِنَ الْبُحْتَرِيِّ مِنَ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِيُّ، الشَّاعِرِ الْإِيرَانِيِّ.	مَا شَاءَ اللَّهُ! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! <sup>٢</sup> مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!



١- قَدْ أَنْشَدَ: سروده است ٢- بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ: آفرین بر تو

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَيَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.

٢- عُضْوٌ خَلَفَ جِسْمَ الْحَيَّوانِ يُحَرِّكُهُ غَالِباً لِطَرْدِ الْحَشْرَاتِ.

٣- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.

٤- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ.

٥- عَدَمُ وُجُودِ الصَّوِّءِ.

٦- نَشْرُ النَّوْرِ.



التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠

سَلِمَ ..... حَرَبَ	اِسْتَطَاعَ ..... قَدَرَ
اِحْسَانَ ..... اِسْءَاءَةَ	اِقْتَرَبَ ..... اِبْتَعَدَ
ظَلَامَ ..... ضِيَاءَ	فَارِغَ ..... مَمْلُوءَ
نُفَايَةَ ..... زُبَالَةَ	اَغْلَقَ ..... فَتَحَ
حُجْرَةَ ..... غُرْفَةَ	غَيْمَ ..... سَحَابَ
قُرْبَ ..... بَعْدَ	قَذَفَ ..... رَمَى
مِنْ فَضْلِكَ ..... رَجَاءً	فَرِحَ ..... حَزِنَ
جَاهِزَ ..... حَاضِرَ	عُصَّةَ ..... حُزْنَ



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

البَطُّ / الكِلَابِ / الغُرَابُ / الطَّاوُوسِ / الحِرْبَاءُ / البَقْرَةُ



١- تُعْطِي ..... الْحَلِيبَ.      ٢- يُرْسَلُ ..... أَخْبَارَ الْغَابَةِ.      ٣- دَنَبٌ ..... جَمِيلٌ.



٤- ..... ذَاتُ عَيْونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.      ٥- الشُّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِ .....      ٦- ..... طَائِرٌ جَمِيلٌ.

١- الْفَاعِلُ: .....      ٢- الْمَفْعُولُ: .....      ٣- الْمُضَافُ إِلَيْهِ: .....

٤- الصِّفَةُ: .....      ٥- الْمُبْتَدَأُ: .....      ٦- الْخَبَرُ: .....

## التَّمْرِينُ الرَّابِعُ : عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنةِ.

- ١- ﴿فَأَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ<sup>١</sup> عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْح: ٢٦
- ٢- ﴿لَا أَمَلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ﴾ الْأَعْرَاف: ١٨٨
- ٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ﴾ يس: ٧٨
- ٤- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْف: ٤٩
- ٥- ﴿يُرِيدُ اللهُ بِكُمْ الْيُسْرَ<sup>٢</sup>﴾ الْبَقَرَة: ١٨٥

## التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

- ١- أَلْتَدَمُ<sup>٤</sup> عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ
- ٢- أَكْبَرُ الْحُمُقِ<sup>٥</sup> الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالنَّدَمِ<sup>٦</sup>. رَسُولُ اللهِ ﷺ
- ٣- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ
- ٤- أَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ<sup>٧</sup>. رَسُولُ اللهِ ﷺ
- ٥- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

١- سَكِينَة: آرامش ٢- ضَرَّ: زيان ٣- يُسْر: آسانی ٤- نَدَم: پشیمانی ٥- حُمُق: نادانی ٦- دَم: نکوہش  
٧- قَيْد: بند

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُؤَنَّةِ.

(مبتدأ و خبر و فاعل و مفعول و مضاف إليه)

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ البقرة: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ٢٨٦

٣- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ فُجْحَ النَّسَبِ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ . الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



## الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ﴾ الزَّوم: ٤٢

بگو در زمین بگردید و بنگرید سرانجام پیشینیان چگونه بوده است.



الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ

إِنَّ إِيرَانَ مِنَ الدُّوَلِ الْجَمِيلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشهُورَةِ بِالْكَثِيرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ وَ الثَّقَافِيَّةِ؛ وَ فِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تَجْدِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ. شَهِدَتْ إِيرَانَ فِي السَّنَوَاتِ الْأَخِيرَةِ نُمُوًّا مَلْحُوظًا فِي السِّيَاحَةِ، فَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَحْصَلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى ثَرَوَةٍ عَظِيمَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ. يَرَى بَعْضُ السَّائِحِينَ إِيرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَلَاءِ.

قَامَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو بِتَسْجِيلِ مُدُنٍ وَ مَنَاطِقٍ ثَقَافِيَّةٍ وَ تَارِيخِيَّةٍ إِيرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؛ لِأَنَّهَا تَجْدِبُ كَثِيرًا مِنَ السَّائِحِينَ إِلَيْهَا.

مِنَ الْأَثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ فِي إِيرَانَ: مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَرْقَدُ الْفِرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدٍ، وَ مَرْقَدُ السَّيِّدَةِ مَعْصُومَةِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِمَدِينَةِ قُمْ وَآثَارُ بَرْسُولِيْسِ وَ مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيِّ فِي مَحَافِظَةِ فَارِسَ، وَ «طَاقِ بُسْتَانَ» وَ «كَتَيْبَةِ بِيَسْتُونَ» فِي مَحَافِظَةِ كِرْمَانشَاهِ وَ قَلْعَةُ «فَلَكِ الْأَفْلَاقِ»





في حُرْمِ آباد، وَ قَلْعَةُ الْوَالِي وَ غَابَاتُ الْبَلُوطِ فِي إِيْلَامِ وَ «حَمَامِ كَنْجَعَلِي خَان» فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانِ الْمَشْهُورَةِ بِإِنْتِاجِ الْفُسْتِقِ وَ السَّجَادِ، وَ سَلَالَتُ شوشْتَرِ وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيَالِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خُوَزِسْتَانِ، وَ مَرَقْدُ ابْنِ سِينَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي الْعَالَمِ، وَ كَهْفُ عَلِيِّ صَدْرٍ وَ هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي هَمْدَانَ، وَ الْعِمَارَاتُ الْأَنْزِيَّةُ فِي إِصْفَهَانَ وَ قَدْ سَجَّلَتْهَا مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو الدُّوَلِيَّةُ فِي قَائِمَةِ الثَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ، أَمَّا الْمُحَافَظَاتُ الشَّمَالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينَ (Caspian) فَهِيَ رَائِعَةٌ بِمَنَاطِرِهَا الْجَمِيلَةِ، وَ كَأَنَّهَا قِطْعَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلِبَطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ.

لَابَدٌ مِنْ تَأْلِيفِ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذْبِ السِّيَاحِيِّ فِي إِيرَانَ، نَذَكُرُ قِسْمًا آخَرَ مِنْهَا: يَزْدُ وَ حَلَوِيَّاتُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ، وَ تَبْرِيزُ وَ سَوْقُهَا الْمَشْهُورَةُ بِأَنَّهَا أَكْبَرُ سَوْقٍ مُسَقَّفَةٍ فِي الْعَالَمِ.

وَ بَحِيرَةُ زَرِيبارِ فِي مَرِيوَانَ، وَ قَبَّةُ سُلْطَانِيَّةِ فِي زَنْجَانَ، وَ مَتْحَفُ الثَّرَاثِ الرَّيْفِيِّ قُرْبَ رَشْتِ، وَ آلَافُ الْمَنَاطِقِ الْآخَرَى. فَتَنَوَّعُ مَعَالِمِ إِيرَانَ وَ اسْتِقْرَارُ الْوَضْعِ الْأَمْنِيِّ فِيهَا يُسَجِّعُ السَّائِحِينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْهَا لِرُؤْيَةِ جَمَالِ آثَارِهَا وَ طَبِيعَتِهَا الْخَلَابَةِ.





قَضَاءُ الْعُطَلَاتِ : گذراندن تعطیلات	خَلَابٌ : جَذَابٌ «مَعَالِمُ إِيْرَانِ الْخَلَابَةِ»: آثارِ جَذَابِ إِيْرَانِ»	أَثَرِيٌّ : تاریخی
كَهْفٌ : غَارٌ «جَمْعُ: كُهُوفٌ»	سَجَادٌ : فرش	إِحْتِوَاءٌ : دربرگرفتن
لَأَبَدٍ مِّنْ : ناگزیر	سِيَّاحَةٌ : جهانگردی، گردشگری	إِحْصَاءٌ : شمارش
مَعَالِمٌ : آثار	شَوَاطِئُ : ساحل «جَمْعُ: شَوَاطِئُ»	أَطْوَلُ : بلندترین
مَلْحُوظٌ : قابل ملاحظه	صَحْرَاوِيَّةٌ : کویری	بُحَيْرَةٌ : دریاچه
مَنَاطِقُ الْجَذَبِ السِّيَّاحِيِّ : مناطق دارای جاذبه جهانگردی	رَائِعٌ : جالب	بَرِيدٌ : پست «بِطَاقَةِ بَرِيدِيَّةٍ»
نَفْطٌ : نفت	رِيْفِيٌّ : روستایی	كَارْتِ پَسْتَالِ»
وَقَعَ : واقع شد، اتِّفَاقِ افْتَادِ، افتاد (مضارع: يَفْعُ)	عُطْلَةٌ : تعطیلی	تُرَاثٌ : میراث
يَدَوِيَّةٌ : دستی	عِمَارَةٌ : ساختمان	تَسْجِيلٌ : ثبت کردن
	فُسْتُقٌ : پسته	تَقَايِفٌ : فرهنگی
	قَائِمَةٌ : لیست	جَذَبٌ : جذب کرد
	قُبَّةٌ : گنبد	حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد
		حَلَوِيَّاتٌ : شیرینیجات



### إِبْحَثْ فِي نَصِّ الدَّرْسِ عَن جَوَابِ قَصْرِ لِهَذِهِ الأَسْئَلَةِ.

- ١- مَا اسْمُ الْكُهْفِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ؟ .....
- ٢- مِمَّ<sup>١</sup> تَسْتَطِيعُ إِيْرَانُ أَنْ تَحْصَلَ عَلَيَّ ثَرَوَةٌ بَعْدَ النِّفْطِ؟ .....
- ٣- أَذْكَرُ عِمَارَةً مِنْ الْعِمَارَاتِ الأَثَرِيَّةِ فِي مَدِينَةِ إِصْفَهَانَ. ....
- ٤- أَيُّ صِنَاعَةٍ إِيْرَانِيَّةٍ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ؟ .....
- ٥- أَيَّنَ تَقَعُ<sup>٢</sup> قَلْعَةُ الوَالِي؟ .....

١- مِمَّ = مِنْ + مَا: از چه      ٢- تَقَعُ: واقع است

## اعلموا

### إعراب أجزاء الجملة الاسمية والفعلية

إعراب به علامت انتهای کلمه گفته می‌شود و از ویژگی‌های بارز زبان عربی است. کلمات از نظر علامت حرف آخرشان دو نوع اند: **مُعْرَب** و **مَبْنِي**

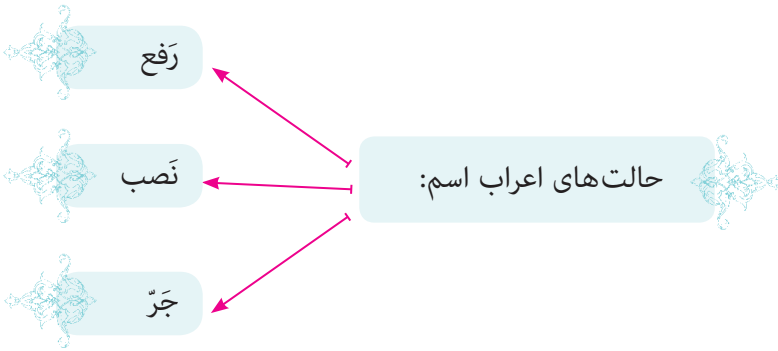
علامت حرف آخر بیشتر اسم‌ها با تغییر جایگاهشان در جمله، تغییر می‌کند که به آنها «مُعْرَب» گفته می‌شود؛ بیشتر اسم‌ها معرب اند؛ مانند «اللَّهُ» در جمله‌های زیر:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾ الأَحْزَاب: ۵۱

﴿وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ الْبَقَرَة: ۱۹۹

برخی هم با تغییر جایگاهشان در جمله، علامت حرف آخرشان ثابت می‌ماند که «مَبْنِي» نامیده می‌شوند مانند ضمائر ( أَنْتُمْ، كُمْ، ... )؛ اسم اشاره ( هَذَا، ذَلِكَ، ... )؛ کلمات پرسشی ( أَيْنَ، مَنْ، ... )



إعراب رفع و علامت آن «ـُ، ـٌ، ـِ» و **نَ** در جمع مذکر، **اِنِ** در مثنی «است»؛

مانند **اَلْكَاتِبُ، كَاتِبٌ، اَلْكَاتِبُونَ، اَلْكَاتِبَانِ**

إعراب نصب و علامت آن «ـَ، ـِ، ـِی» **یِنَ** در جمع مذکر، **یِنِ** در مثنی «است»؛

مانند **اَلْكَاتِبِ، كَاتِبًا، اَلْكَاتِبِیْنَ، اَلْكَاتِبِیْنِ**

إعراب جرّ و علامت آن «ـِ، ـِی، ـِیْ» **یِنَ** در جمع مذکر، **یِنِ** در مثنی «است»؛

مانند **اَلْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، اَلْكَاتِبِیْنَ، اَلْكَاتِبِیْنِ**

کلمه دارای إعراب رفع را «**مرفوع**»؛

دارای إعراب نصب را «**منصوب**»؛

و دارای إعراب جر را «**مجرور**» می نامند.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيَّنْ إِعْرَابَ الْأَسْمَاءِ الْمُلَوَّنَةِ الْمَرْفُوعَةِ وَ الْمَنْصُوبَةِ وَ الْمَجْرُورَةِ.

۱- قَرَأَ الطَّالِبُ الْمُجِدُّ قَصِيدَةً رَائِعَةً.

۲- لَا تَكْتُبْ شَيْئًا عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.

۳- رَسَمَ الْأَوْلَادُ صُورَةً جَمِيلَةً عَلَى رَمْلِ السَّاحِلِ.

با نقش‌های فاعل، مفعول، مبتدا و خبر آشنا شدید. اکنون با اعراب این نقش‌ها آشنا شوید.  
 فاعل، مبتدا و خبر، مرفوع اند و مفعول منصوب است (البته هنگامی که یک اسم ظاهر باشند).

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾ الأَحْزَاب: ٢٢

فاعل و مرفوع به واو      مفعول و منصوب به فتحه      فاعل و مرفوع به ضمّه

ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

مبتدا و مرفوع به ضمّه      خبر و مرفوع به ضمّه

## اِحْتَبِرْ نَفْسَكَ: اَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَوَنِّتَةَ.

١- مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ واقِفٌ امامَ الاِصْطِفايِ الصَّبَاحِيِّ.

٢- اَللُّونُ الْبَنَفْسَجِيُّ لِعُرْفَةِ النَّوْمِ مُهْدِيُّ الْأَعْصَابِ.

٣- لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا.



## إِعْرَابُ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ

با صفت و مضاف‌الیه در پایه نهم آشنا شدید. صفت در اعراب تابع (پیرو) موصوفِ خودش است و اعراب مضاف‌الیه جرّ است (مضاف‌الیه مجرور است؛ یعنی دارای علامت - ، - ، یَنْ یا یَنْ است).

مبتدا، خبر، فاعل و مفعول می‌توانند بعد از خودشان صفت یا مضاف‌الیه داشته باشند؛  
مثال:

الَّذِينَ الْأَبِيَّ ضُ لَ هُنَّ الْهُدَى .  
مبتدا و مرفوع به ضمه      صفت و مرفوع به ضمه      خبر و مرفوع به ضمه      مضاف‌الیه و مجرور به كسره

فَحَصَّ الطَّبِيبُ أَسْنَانَ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ .  
فعل فاعل و مرفوع      مفعول و منصوب      مضاف‌الیه و مجرور      صفت و مجرور



اخْتَبَرْتُ نَفْسَكَ: عَيْنِ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ، ثُمَّ اذْكَرُ إِعْرَابَهُمَا.

۱- رَضَا اللهُ فِي رِضَا الْوَالِدِينَ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

۲- سَكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

۳- يَكْذِبُ الْإِنْسَانُ الضَّعِيفُ وَ يَصْدُقُ الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ.

۴- الطُّلَابُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِينَ.

۵- الشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جِوَارُ

(فِي الصِّدَالِيَّةِ<sup>١</sup>)

الصِّدَالِي<sup>٢</sup>

أَلْحَاجُ

أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ:

مِحْرَارٌ<sup>٤</sup>، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبُوبٌ مُهَدَّئَةٌ، كَبْسُولٌ  
أَمبِيَسِيلِينِ، قُطْنٌ<sup>٥</sup> طَبِّيٌّ، مَرَهْمٌ لِحَسَاسِيَّةِ الْجِلْدِ<sup>٦</sup> ...  
لَا بَأْسَ، لَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمبِيَسِيلِينِ.

عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصَفَةٌ

وَأُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ<sup>٣</sup> الْمَكْتُوبَةَ عَلَى  
الْوَرَقَةِ.

لَا؛ عِنْدَنَا، وَلَكِنْ بَيْعُهَا بِدُونِ وَصَفَةٍ غَيْرُ مَسْمُوحٍ.

لِمَاذَا، أَمَا عِنْدَكُمْ؟

لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ؟

شُكْرًا جَزِيلًا، يَا حَضْرَةَ الصِّدَالِيِّ.

الشِّفَاءُ مِنَ اللَّهِ.

أَشْتَرِيهَا لِزُمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ.



٤- مِحْرَار: دِمَاسِنَج

٣- أَدْوِيَةٌ: دَارُوهَا «مِفْرَد: دَوَاء»

٢- صِّدَالِي: دَارُوخَانَه دَار

١- صِّدَالِيَّة: دَارُوخَانَه

٦- جِلْد: پُوسْت

٥- قُطْن: پَنَبَه

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الدَّرْسِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- آلةٌ لِإِطْلَاعٍ عَلَى دَرَجَةِ حَرَارَةِ الْجِسْمِ وَ الْجَوِّ.

٢- يَوْمُ الْإِسْتِرَاحَةِ لِلْمَوْظَفِينَ وَ الْعَمَالِ وَ الطُّلَّابِ.

٣- مَنطِقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبَحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ.

٤- إِدَارَةٌ لِتَسْلِيمِ الرِّسَائِلِ وَ اسْتِلَامِهَا.

٥- نَبَاتٌ يُعْطِي ثَمَرًا أَبْيَضَ اللَّوْنِ.

٦- مَكَانٌ لِبَيْعِ الْأَدْوِيَةِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

تُرَاتٌ / قُبَّةٌ / جِلْدِيٌّ / رَائِعَةٌ / السِّيَاحِيٌّ / الرِّيفُ / الْحَلَوِيَّاتُ

١- كَانَ لِصَدِيقِي مَرَضٌ ..... فَذَهَبَ إِلَى الْمُسْتَشْفَى.

٢- قَرَأْتُ قَصِيدَةً ..... لِأَمِيرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدَ شَوْقِي.

٣- جَلَسْنَا تَحْتَ ..... شَاهِ شِرَاقٍ  فِي مَدِينَةِ شِيرَازِ.

٤- إِنَّ كُرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذِبِ ..... فِي إِيرَانَ.

٥- أَلْعَيْشُ فِي ..... جَمِيلٌ جَدًّا.



### التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- رَأَيْنَا ..... مِنْ أَمْرِيكَا الْوُسْطَى فِي الْمُتَحَفِ. سَائِحَانِ  سَائِحِينَ
- ٢- سَاعَدَتِ ..... الْمَرْأَةُ الَّتِي تَصَادَمَتْ بِالسَّيَّارَةِ. الْمُمَرِّضَاتِنِ  الْمُمَرِّضَتَيْنِ
- ٣- حُزِنُ ..... فِي قُلُوبِهِمْ لَا فِي وُجُوهِهِمْ. الْمُؤْمِنُونَ  الْمُؤْمِنِينَ
- ٤- ..... وَقَفَا فِي بَدَايَةِ السَّاحَةِ الْأُولَى. الْأَشْرَطِيَّانِ  الْأَشْرَطِيَّانِ
- ٥- ..... حَاضِرُونَ فِي مِهْرَجَانِ الْمَدْرَسَةِ. الْمُعْلَمُونَ  الْمُعْلَمِينَ
- ٦- نَزَلَ ..... مِنْ طَائِرَاتِهِمْ الْحَرَبِيَّةِ. الطَّيَّارُونَ  الطَّيَّارِينَ

### التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُعْرَبَةَ مِنْ نَاحِيَةِ الْقَوَاعِدِ.

- ١- سَعِيدٌ  كَيْفَ  هُوَ  كُمْ
- ٢- هَذَا  هُوَلاءِ  اللَّهُ  ذَلِكَ
- ٣- هِيَ  أَنْتِ  نَحْنُ  صَحِيفَةٌ
- ٤- بَرِيدٌ  أَوْلِيكَ  تِلْكَ  هَذِهِ
- ٥- هَلْ  فَسْتُقِ  أَيْنَ  مَتَى

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمُؤَوَّنَةَ.

١- ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ الرَّحْمَنُ: ٦٠

٢- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- أَلَدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

٤- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرُّهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

٥- اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ.

٦- الْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ.



## الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ هود: ٦١  
او شما را از زمین پدیدآورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد.

## صِنَاعَةُ النَّفْطِ

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ الْحَفْرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.

فِي إِيرَانَ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ بِإِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَ الْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ.

عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجُدِيَّةِ. يَحْفِرُ الْعُمَالُ بِنِزًا وَ يَصْعُونَ أَنْبُوبًا فِيهَا، فَيَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَسِطَةِ الْأَنْبُوبِ، وَ يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِحَنْفِيَّاتٍ.

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَسِطَةِ الْأَنْبُوبِ عَبْرَ

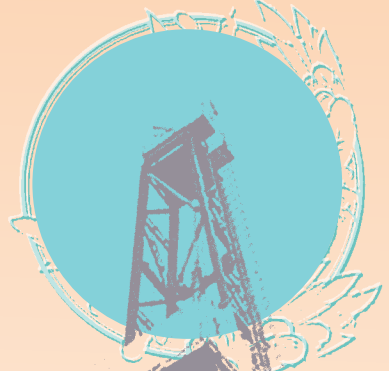
الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَعْمَدُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الصَّغْطِ حَتَّى

تَبْقَى الْأَنْبُوبُ سَالِمَةً.

لِإِيرَانَ تِجَارَةٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ

النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ

الدُّوَلِ الْمَصْدَرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحَهَا فِي مَدِّ



خُطوطِ الْأَنْابِيْبِ وَ صِيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِنِ الْإِنْتَاكِ إِلَى أَمَاكِنِ الْإِسْتِهْلَاكِ.  
 عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْابِيْبِ تَوْجَدُ أَعْمِدُهُ اتِّصَالَاتٍ كَمَحَطَّاتِ إِنْذَارٍ، وَ لَوَحَاتٍ تَحْذِيرِيَّةٌ  
 بِاللُّوْنِ الْأَصْفَرِ تُحَدِّرُ الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ؛ وَ يَجِبُ  
 عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَتُهُ هَذِهِ الْأَنْابِيْبِ وَ الْإِتِّصَالَ بِالشَّرِكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطْرِ.  
 نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُشْتَقَّاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ الزُّيُوتِ؛ وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ  
 آخَرَ فِي الصَّنَاعَةِ، فَيَصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَّاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ  
 وَ مَبِيدَاتُ الْحَسْرَاتِ، وَ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ

الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمَاوِيُّ وَ غَيْرُهَا.

كَيْفَ يُنْقَلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟

يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْآبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى

الْمَصَافِي عَبْرَ الْأَنْابِيْبِ.

ثُمَّ تَنْقَلُ التَّاقِلَاتُ مُشْتَقَّاتِ النَّفْطِ مِنَ

الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوَقُودِ فِي الْبِلَادِ.





مُصَدَّرَةٌ : صادرکننده	تَحْذِيرِيَّةٌ : هشدار آمیز	أَبَارٌ : چاه‌ها «مفرد: بئر»
مَطَّاطٌ : پلاستیک، کائوچو	حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد	اتِّصَالَاتٌ : مخابرات
مُنَحَّرٌ : سرازیری	سَمَادٌ : کود	اسْتَعْمَرَ : خواستار آباد کردن شد
مَوَادُّ التَّجْمِيلِ : موادّ آرایشی	صَدَّرَ : صادر کرد	اسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا : وقتی
مَوَانِيْ : بندرها «مفرد: میناء»	صُخُورٌ : صخره‌ها	طولانی گرفت
نَاقِلَاتُ النَّفْطِ : نفتکش‌ها	صِيَانَةٌ : نگهداری، تعمیر	اسْتِهْلَاكٌ : مصرف
وَقُودٌ : سوخت (موادّ سوختی)	عَبَّرَ : از راه	أَقْلُ خَطَرًا : کم خطرتر، کم خطرترین
يَجِبُ : واجب است، باید	غَازٌ : گاز	أَنْبُوبٌ : لوله «جمع: أنابيب»
يَضَعُونَ : قرار می‌دهند	مُبِيدَةُ الْحَشْرَاتِ : حشره‌کش	أَنْجَحَ : موفق‌تر، موفق‌ترین
وَضَعَ : قرار داد/ يَضَعُ : قرار می‌دهد	مَحَطَّةٌ : ایستگاه	إِنْذَارٌ : هشدار
يُفْتَحُ : باز می‌شود	مَدُّ خُطُوطِ الْأَنْبَابِ : کشیدن	أَنْشَأَ : پدید آورد، آفرید
يُغْلَقُ : بسته می‌شود	خُطُوطٌ لَوْلَهُ	بُلْدَانٌ : کشورها «مفرد: بلد»
يُنْقَلُ : منتقل می‌شود	مَصَافِي : پالایشگاه‌ها «مفرد: مَصْفَى»	بِنَاءٌ : ساختن، ساختمان

x ✓



### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ..... ۱- لِبِلَادِنَا تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ.
- ..... ۲- يَسْتَفِيدُ الْإِنْسَانُ مِنَ النَّفْطِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.
- ..... ۳- عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبَابِ لَا تَوْجَدُ أَعْمِدَةٌ اتِّصَالَاتٍ.
- ..... ۴- يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْبَيْرِ إِلَى مِينَاءِ التَّصْدِيرِ.
- ..... ۵- نَقَلَ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ أَكْثَرَ خَطَرًا.

## اعلموا

### الفعل المجهول

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل، از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زد: زده شد    می‌زند: زده می‌شود    دید: دیده شد    می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ: شُست ← عَسَلَ: شسته شد / خَلَقَ: آفرید ← خَلَقَ: آفریده شد)

(يَغْسِلُ: می‌شوید ← يَغْسِلُ: شسته می‌شود / يَخْلُقُ: می‌آفریند ← يَخْلُقُ: آفریده می‌شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل، حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يَكْتُبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرَبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يَضْرِبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عَرَفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرِفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: فرو فرستاد	أَنْزَلَ: فرو فرستاده شد	يُنْزِلُ: فرو می‌فرستد	يُنْزِلُ: فرو فرستاده می‌شود
اسْتَعْدَمَ: به کار گرفت	اسْتَعْدَمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَعْدِمُ: به کار می‌گیرد	يَسْتَعْدِمُ: به کار گرفته می‌شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا ببایید.



بعد از فعل مجهول «نایب فاعل<sup>۱</sup>» می‌آید. نایب فاعل مانند فاعل مرفوع است؛ مثال:

﴿... سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ الزُّخْرُف: ۱۹

نایب فاعل و مرفوع

...گواهی آنها نوشته خواهد شد و [از آن] پرسیده خواهند شد.

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَن: ۵۵

نایب فاعل و مرفوع به واو

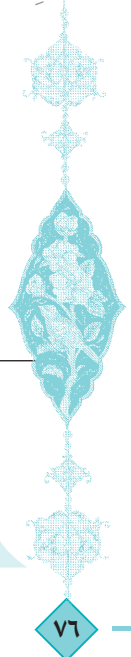
تبهکاران از چهره‌شان شناخته می‌شوند.

يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ.

نایب فاعل و مرفوع

در سالن امتحان برای دانش‌آموزان گشوده می‌شود.

۱- نایب فاعل همانند فاعل فقط به صورت یک اسم ظاهر در کتاب تدریس شده است.





اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: اَكْمِلْ<sup>۱</sup> تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ اَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

۱- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقْرَةَ: ۱۸۵

ماه رمضان که در آن قرآن .....

۲- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ الْأَعْرَافِ: ۲۰۴

و هرگاه قرآن ..... به آن گوش فرا دارید.

۳- تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا.

چیزها به کمک متضادهایشان .....

۴- اَغْلَقَ السَّائِقُ بَابَ حَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.

راننده در اتوبوس مدرسه را .....

۵- طَبَخَتْ وَالِدَةُ سَعِيدٍ طَعَامًا لَدِينًا.

مادر سعید خوراک خوشمزه‌ای .....

۱- اَكْمِلْ: کامل کن ۲- اِسْتَمِعُوا: گوش فرا دهید

در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## جَوَازُ (مَعَ مَسْئُولِ اسْتِيقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْئُولُ الْإِسْتِيقْبَالِ
رَجَاءً، أَعْطِنِي <sup>٢</sup> مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	مَا هُوَ رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟
مِئَتَانِ وَ عِشْرُونَ.	تَفَضَّلْ.
عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	أَعْتَدِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.
لَا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي.	مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛
مَا هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ <sup>٣</sup> ؟	ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.
مَتَى مَوَاعِدُ <sup>٤</sup> الْفُطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟	الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟	الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرَّبْعِ؛
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ؟	الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟	شَايٌ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ <sup>٥</sup> وَ زُبْدَةٌ <sup>٦</sup> وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبَّى الْمِشْمِشِ.
أَشْكُرُكَ.	رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ <sup>٧</sup> .
	رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ <sup>٨</sup> بَادِنَجَانٍ.
	لَا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ.



١- مَسْئُولُ الْإِسْتِيقْبَالِ: مَسْئُولٌ يَقْبَلُ الضُّيُوفَ  
 ٢- أَعْطِنِي: بِه مِنْ بَدَه  
 ٣- دَوَامٌ: سَاعَتُ كَار  
 ٤- مَوَاعِدُ: وَقْتُهَا  
 ٥- جُبْنَةٌ: پَنِير  
 ٦- زُبْدَةٌ: كَرَه  
 ٧- دَجَاجٌ: مَرِغ  
 ٨- مَرَقٌ: خُورَشْت

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- مَكَانٌ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ تُشَاهِدُ السُّفْنَ<sup>١</sup> إِلَى جَنْبِهِ.  
.....
- ٢- حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ يُسْتَخْرَجُ الْمَاءُ أَوْ النَّفْطُ مِنْهَا.  
.....
- ٣- مَادَّةٌ كَالْبَنْزِينِ وَ النَّفْطِ وَ الْغَازِ.  
.....
- ٤- الْأِسْتِعْمَالُ وَ الْإِسْتِفَادَةُ.  
.....
- ٥- الْحِفَاطُ عَلَى الْأَشْيَاءِ.  
.....

التَّمْرِينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

إِسْتِهْلَاكِ / سَمَادُ / سَائِلُ / تَنْقُلُ / تَسْتَعْرِقُ / سُفْنُ / الْمَحَطَّةُ

- ١- وَقَفَتِ الْحَافِلَةُ فِي ..... حَتَّى يَذْهَبَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى دَوْرَاتِ الْمِيَاهِ.
- ٢- كَمَ سَاعَةً ..... السَّفْرَةُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُتَوَرَّةِ؟
- ٣- السِّيَّارَةُ ..... أَخْشَاباً مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ.
- ٤- صُنِعَ جِهَازٌ لِتَقْلِيلِ ..... الْكَهْرَبَاءِ فِي الْحَاسِبِ.
- ٥- أَلْنَفْطُ ..... أَسْوَدُ تُصْنَعُ أَشْيَاءٌ كَثِيرَةٌ مِنْهُ.

١- سُفْنٌ: كَشْتَى هَا

## التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ١- أَلْلُوحَاتُ التَّحْذِيرِيَّةِ ..... الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ.  يُحَدِّرُ  تُحَدِّرُ
- ٢- ..... صَدِيقِي صُورَةَ خَلَابَةٍ عَلَى جِدَارِ الْمَدْرَسَةِ.  يَرَسُمُ  يُرَسِّمُ
- ٣- ..... صَوْتُ قَوِيٍّ مِنْ بَعِيدٍ، فَخَافَ الْجَمِيعُ.  سَمِعَ  سُمِعَ
- ٤- ..... النَّفْطُ عَبَّرَ النَّاقِلَاتِ إِلَى الْمَصَافِي.  يَنْقُلُ  يُنْقَلُ
- ٥- ..... الطَّبَّاحُ طَعَاماً طَيِّباً فِي الْمَطْعَمِ.  يَطْبُخُ  يُطْبَخُ
- ٦- ..... حَلَوِيَّاتٌ لَذِيذَةٌ فِي مَدِينَةِ يَزْدِ.  تَصْنَعُ  يَصْنَعُ

## التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: اكْتُبْ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- |             |       |            |       |
|-------------|-------|------------|-------|
| آبار:       | ..... | مَوَائِي:  | ..... |
| صُخُور:     | ..... | سُفُن:     | ..... |
| مَصَافِي:   | ..... | مَوَاد:    | ..... |
| أَدْوِيَّة: | ..... | دُول:      | ..... |
| خُطُوط:     | ..... | أَنَابِيب: | ..... |
| مَوَاعِد:   | ..... | بُلْدَان:  | ..... |

التَّمْرِينُ الخَامِسُ: عَيِّنِ الكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الكَلِمَاتِ الأُخْرَى فِي المَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- ١- وَقُود  غَاز  نَفْط  حَرْب
- ٢- نَاقِلَةٌ  ثَامِنَةٌ  طَائِرَةٌ  حَافِلَةٌ
- ٣- سَمَاد  مَحَطَّة  سَاحَةٌ  مَطَار
- ٤- زُبْدَةٌ  جُبْنَةٌ  تَقَاعُد  حَلِيب
- ٥- دَجَاجَةٌ  حَمَامَةٌ  بَوْمَةٌ  نَفَقَةٌ
- ٦- أَحْمَر  أَحْسَن  أَرْزَق  أَصْفَر



## اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اُكْتُبْ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ شِعْرًا أَوْ كَلَامًا جَمِيلًا مُرْتَبِطًا بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.  
(لِلإِشَارَةِ إِلَى النَّعْمِ الْإِلَهِيَّةِ)



مَنْجَمُ الْفَحْمِ ' فِي مَحَافِظَةِ كَرْمَانَ

١- مَنْجَمُ الْفَحْمِ: مَعْدَن زَغَالَسَنَگ



## الدَّرْسُ الثَّامِنُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ، وَفِي الْأَرْضِ  
قُدْرَتُكَ، وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
تو کسی هستی که بزرگی ات در آسمان و توانمندی ات در زمین و  
شگفتی هایت در دریاهاست.

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعًا عَنِ الدُّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْغَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامدٌ: لا أُصَدِّقُ؛ هذا أمرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا.

الأبُّ: يا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيبًا، لِأَنَّ الدُّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

صَادِقٌ: تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَّفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأبُّ: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ

ضِعْفَيْ وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيبًا، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تُرَضِعُ

صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأبُّ: بَلَى؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدُّلْفِينُ أَنْ تُرَشِّدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ

مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأمُّ: تُؤَدِّي الدُّلْفِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ

الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اِكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجْمُعِ

الْأَسْمَاكِ.





رَأَيْتُ الدَّلَّافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعًا؟

صَادِقٌ:

نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَّافِينَ

الْأُمُّ:

تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُغْنِي كَالطَّيُورِ، وَ  
تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفِرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَّافِينَ أَعْدَاءٌ؟

بِالتَّكْيِيدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَّافِينَ سَمَكَ الْفَرَشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى

الْأَبُّ:

سَمَكَةِ الْفَرَشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنُوفِهَا الْحَادَّةِ وَ  
تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلَّافِينَ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقَرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتِرْنِتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى

الْأَبُّ:

الْأَعْمَاقِ بِسِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى  
بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ  
أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحَرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ:

النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،

وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،

وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.



عَرَفَ : معرفی کرد	تَجَمَّعَ : جمع شد	أَدَّى : ایفا کرد، منجر شد
عَزَمَ : تصمیم گرفت	جَمَاعِيّ : گروهی	أَرْشَدَ : راهنمایی کرد
عَنَى : آواز خواند	حَادَّ : تیز	أَرْضَعَ : شیر داد
قَفَزَ : پرید، جهید	دَوَّرَ : نقش	أَعْلَى : بالا، بالاتر
لَبَوْنَةَ : پستاندار	ذَاكِرَةٌ : حافظه	أُنُوفَ : بینی‌ها «مفرد: أَنْف»
كَذَلِكَ : همین‌طور	سَمَكُ الْقِرْشِ : کوسه ماهی	أَوْصَلَ : رسانید
مُنْقَذَ : نجات‌دهنده	صَفَرَ : سوت زد	بِحَارَ : دریاها «مفرد: بَحْر»
مَوْسُوعَةَ : دانشنامه	ضَعَفَ : برابر در مقدار	بَكِيٌّ : گریه کرد
	«ضِعْفَيْنِ : دو برابر»	بَلَغَ : رسید
	طُيُورَ : پرندگان «مفرد: طَيْر»	بَلَى : آری

x ✓



### عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ..... ۱- اَلدُّلْفَيْنِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضَعُ صِغَارَهَا.
- ..... ۲- يُؤَدِّي سَمَكُ الْقِرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السُّلْمِ.
- ..... ۳- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقَ سَمْعَ الدُّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ..... ۴- سَمَكُ الْقِرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.
- ..... ۵- سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوُّ الدَّلَّافِينَ.
- ..... ۶- لِلدَّلَّافِينَ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ.

## اعلموا الجارُّ و المجرورُ

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، ك ... » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند.

مثال: مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدِينَ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ  
به حرف جر، جار و به اسم بعد از آن مجرور و به این دو «جار و مجرور» می‌گویند.

سَلَامَةٌ الْعَيْشِ، فِي الْمُدَارَةِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

مجرور به حرف جر

جار و مجرور

حرف جر

## أهمُّ معاني حروفِ الجرِّ:



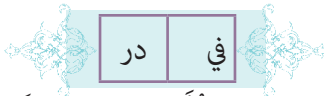
﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲

تا انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان: ۲۱

دستبندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا



﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ الْبَقَرَة: ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

النَّجَاهُ فِي الصَّدَقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

إِلَى (إِلَى) به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الإسراء: ١  
پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.  
﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ  
وَ شَرَابِكَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۹

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد  
سال درنگ کردی؛ به خوراکی و نوشیدنی‌ات بنگر.»  
كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.

عَلَى (عَلَى) بر، روی، به زیان

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.  
عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، زیرا پروردگار مرا به خاطر آن فرستاده است.  
الْدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام  
روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.  
الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.

بِ به وسیله، در

﴿إِفْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ الْعَلَقِ: ۳ و ۴  
بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.  
﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ۱۲۳ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

۱- «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

لِ - برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النساء: ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست.

﴿لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ﴾. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الكافرون: ۶

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

عَنْ - از ، درباره

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ...﴾ الشورى: ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‌ها در می‌گذرد ...

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ...﴾ البقرة: ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

كَ - مانند

﴿فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ﴾. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برتری دانشمند بر غیر خود، مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.



إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ.

١- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اسم ظاهر بعد از حروف جرّ، مجرور است. علامت جر (ـِ، ـَ، ـِ) در مفرد، بین در جمع مذکر و بین در مثنی) است؛ مانند: الْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، الْكَاتِبِينَ، الْكَاتِبَيْنِ



صَعَّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

١- الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي ..... الْأُمَّمِ الْمُتَّحِدَةِ.  مُنَظَّمَةٌ  مُنَظَّمَةٌ

٢- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى ..... أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.  اللَّهُ  اللَّهُ

٣- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ ..... كِ الْقِيَامَةِ.  هَجْرٌ  هَجْرٌ

٤- أَلْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَ ..... بِلا ثَمَرٍ.  الشَّجَرِ  الشَّجَرِ

٥- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى .....  نِصْفَانِ  نِصْفَيْنِ

٦- حُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ .....  الْمُسْلِمِينَ  الْمُسْلِمُونَ

## نونُ الْوَقَايَةِ

در متن درس با دو فعل «يُحَيِّرُنِي» و «أَخَذَنِي» رو به رو شدید.

يُحَيِّرُ + ن + ي: مرا حیران می‌کند      أَخَذَ + ن + ي: مرا بُرد، مرا گرفت

وقتی که فعلی به ضمیر متکلم وحده «ي» وصل شود، نونِ وقایه بین فعل و ضمیر واقع می‌شود؛ مثال:

يَعْرِفُنِي: مرا می‌شناسد.      إِزْفَعُنِي: مرا بالا ببر.

هنگامی که دو حرف جرّ «مِنْ» و «عَنْ» نیز به ضمیر «ي» وصل شوند، نونِ وقایه میانشان می‌آید؛ مثال:

مِنْ + ي = مَنِي / عَنْ + ي = عَنِّي



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم: ٤٠

۲- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي شُكُوراً وَاجْعَلْنِي صَبُوراً وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيراً وَفِي أَعْيُنِ

النَّاسِ كَبِيراً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

## حوار

### (مَعَ مُشْرِفٍ<sup>۱</sup> خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ	السَّائِحُ
السَّيِّدُ دِمَشْقِيٌّ مُشْرِفٌ خَدَمَاتِ غُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمَشْكِلَةُ؟	عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ <sup>۲</sup> الْغُرْفِ وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، إِسْتَرْخُ؛ سَأَتَّصِلُ <sup>۳</sup> بِالْمُشْرِفِ.	لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.
مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفَ مَعَ مَهْنَدِسِ الصِّيَانَةِ <sup>۴</sup> .	
السَّائِحُ	مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ
لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زَمَلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.	مَا هِيَ الْمَشْكِلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!
فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ <sup>۵</sup> مَكْسُورٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ <sup>۶</sup> نَاقِصٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيَّفُ لَا يَعْمَلُ.	سَيَّاتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمَشْكِلَاتُ الْأُخْرَى؟
تَسَلَّمَ عَيْنُكَ!	نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ <sup>۷</sup> كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَيَّ عَيْنِي.



- ۱- مُشْرِفٌ: مدير داخلي ۲- تَنْظِيفٌ: پاکیزگی ۳- أَنْتَصِلُ: تماس می‌گیرم ۴- صِيَانَةٌ: نگهداری، تعمیرات  
۵- سَرِيرٌ: تخت ۶- شَرَشَفٌ: ملافه ۷- نُصَلِّحُ: تعمیر می‌کنم



الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ ✕

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ. ....
- ٢- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ يَعْيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ. ....
- ٣- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ. ....
- ٤- الْأَنْفُ عَضُو التَّنْفُسِ وَالشَّمِّ! .....  
.....
- ٥- الْحَفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ. ....

الْتَمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ.

بَعَثَ	صِغَار	شَاطِئُ	أَرْسَلَ	بَكَى	كِبَار	أَقَلَّ	صَوء	بَعُدَ	سَاحِل
صَحِيحَكَ	ظَلَام	أَكْثَرَ	بَغْتَةً	قَرَّبَ	دَفَعَ	فَجَاءَهُ	كُنْتُمْ	اسْتَلَمَ	سَتَرَ

..... = .....	..... = .....
..... = .....	..... = .....
..... ≠ .....	..... ≠ .....
..... ≠ .....	..... ≠ .....
..... ≠ .....	..... ≠ .....

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرَجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِ وَالْمَجْرُورِ، وَادْكُرْ عَلَامَةَ الْجَرِّ.

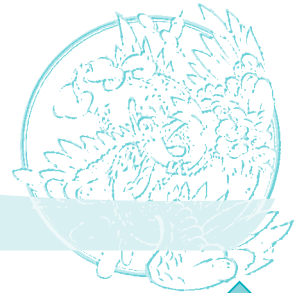
١- ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ الأنبياء: ٨٦

٢- ﴿وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ التَّمَلُّ: ١٩

٣- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ١٤٧

٤- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- عِبَادِكِ الصَّالِحِينَ: بندگان درستکارت



الْتَّمَرِينُ الرَّابِعُ: تَرَجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاتِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغَنَّ / صِغَارٍ / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذٌ / مَرَقٌ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طَيُّورٌ / حَادَّةٌ / دَوْرٌ /  
لَبَوْنَةٌ / كَذَلِكُ / جَمَارِكُ / زُبُوتٌ / سَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمٌ / ثُلُوجٌ / سَوَارٌ / رَائِحٌ

↓ رمز

<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کوچک‌ها	(۱)
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	این‌طور	(۲)
<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تیز	(۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پدیده	(۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سوت زدند	(۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	روغن‌ها	(۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نقش	(۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شنوایی	(۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جالب	(۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نجات‌دهنده	(۱۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نامیدیم	(۱۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبند	(۱۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرم و صمیمی	(۱۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	برف‌ها	(۱۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حافظه	(۱۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پستاندار	(۱۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پرندگان	(۱۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رسانید	(۱۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	باران بارید	(۱۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بخشید	(۲۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می‌رسند	(۲۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	آواز خواندید	(۲۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گریه کرد	(۲۳)



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

## التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ.

١- ذَكَرَ اللهُ شِفَاءَ الْقُلُوبِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٢- آفَةُ الْعِلْمِ النَّسِيَانُ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٣- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٤- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٥- لِسَانُ الْمُقَصِّرِ قَصِيرٌ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

## التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ.

١- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ: ٤٠

٢- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٣- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

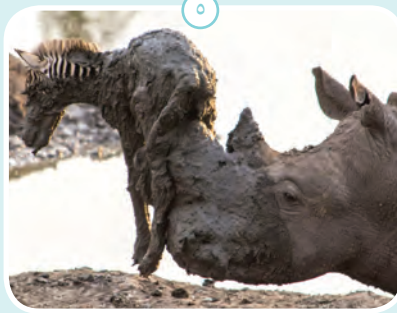
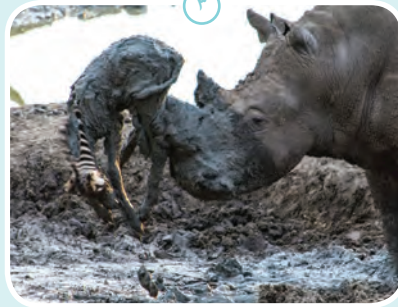
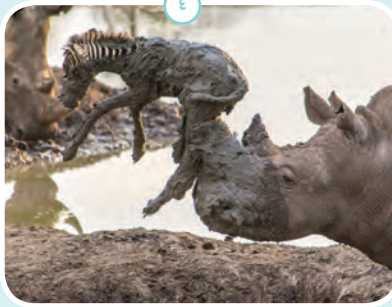
٤- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٥- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

## الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابْحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيرَةِ حَوْلِ حَيَّوَانٍ،  
وَ اكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ،  
ثُمَّ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ-فَارِسِيِّ.



أَيُّهَا الرُّمَلَاءُ ؛  
إِلَى اللِّقَاءِ ،  
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛  
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛  
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛  
مَعَ السَّلَامَةِ .





معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظرات اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴/۱۵۸۷۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

ارسال نمایند. [talif@talif.sch.ir](mailto:talif@talif.sch.ir)

دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری